

الله اعلم
الكرن



گزارش فرهنگ، رسانه و اجتماع - ۴۱
«سناریوهای مدیریت سرمایه اجتماعی در بحران‌های طبیعی»

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مرکز پژوهشی آرا
اندیشکده فرارویش آرا (افرا)
دپارتمان مطالعات و سیاست‌گذاری نظام‌های اجتماعی

ویرایش اول - زمستان ۱۳۹۷

طراحی جلد و صفحه‌آرایی و چاپ: واحد گرافیک مؤسسه پیام رسان حکمت و اندیشه

غیر قابل انتشار
داخلی و به منظور استفاده شخصی شما فرهیخته‌ی گرامی ارسال می‌گردد.
کلیه حقوق مادی و معنوی اثر متعلق به مرکز پژوهشی آرا می‌باشد.

شماره تماس: ۲ - ۸۸۱۶۳۹۶۱ - ۰۲۱

www.ararc.ir





«سناریوهایی برای مدیریت
سرمایه اجتماعی در بحران‌های اقتصادی»

■ گزارش فرهنگ، رسانه و اجتماع - ۴۱ ■



فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	مقدمه: طرح مساله
۱۲	پیشینه موضوع
۱۵	روش شناسی طرح
۱۵	سناریونویسی
۱۹	مروری بر مبانی نظری
۱۹	مفهوم سرمایه اجتماعی
۲۲	تعریف سرمایه اجتماعی
۲۶	ابعاد سرمایه اجتماعی
۲۹	شاخص های بعد شناختی سرمایه اجتماعی
۳۱	کارکردهای سرمایه اجتماعی
۳۳	بحران های اقتصادی
۳۵	تعریف بحران اقتصادی
۳۵	انواع بحران اقتصادی
۳۹	فرایند سناریونویسی
۳۹	تحلیل محیطی
۴۵	شناسایی عوامل کلیدی
۵۰	تعیین پیشران ها
۵۶	فضای سناریونویسی
۵۸	منطق سناریوها

۵۸	سناریوی اول: حرکت در مسیر سبز
۵۹	سناریوی دوم: پارکی شبیه ژوراسیک
۶۰	سناریوی سوم: رهایی از شائوشنگ
۶۱	سناریوی چهارم: مورد عجیب ولی الله سیف
۶۴	منابع

چکیده

پژوهش حاضر با نگاهی به مدیریت سرمایه اجتماعی در حوادث اقتصادی و تکیه بر مفاهیم آینده پژوهی را مدنظر قرار داد و روش طراحی سناریوهای آینده را به عنوان یکی از پرکاربردترین روش‌ها برای آماده شدن و کمک به برنامه‌ریزی پیشنهاد می‌کند.

برای این منظور بعد از مرور مبانی نظری، مصاحبه‌های عمیق نخبگانی صورت گرفته است و عوامل کلیدی موثر بر مدیریت سرمایه اجتماعی در بحران‌های اقتصادی در جدول STEEP به دست آمد و پس از آن ده عامل کلیدی برای جدول تاثیرات متقابل احصاء شد و نیروهای پیشران، نیروهای سیاستی، نیروهای رصدی با استفاده از نرم افزار MICMAC به دست آمد و در نهایت چهار سناریو برای پیش بینی آینده طرح‌ریزی شد.

کلیدواژه: سرمایه اجتماعی، بحران اقتصادی، آینده پژوهی، سناریو نویسی.

مقدمه: طرح مساله

یکی از دغدغه‌های اصلی متفکران اقتصادی، معطوف به یافتن پاسخ این پرسش بوده است که چه عواملی در رشد و تحولات اقتصادی در جامعه اثرگذار هستند، تا پیش از دهه ۱۹۵۰ مدل‌های مرسوم رشد اقتصادی نتوانست تبیینی در این خصوص ارائه دهد، تا اینکه «شولتز» - پدر نظریه سرمایه انسانی - اعلام کرد که نقش اصلی را در تبیین رشد اقتصادی سرمایه انسانی ایفا می‌کند. نیروی کاری که از آموزش، مهارت و تحصیلات بالا برخوردار باشد می‌تواند تضمین‌کننده رشد اقتصادی جوامع باشد (رنانی، ۱۳۸۹).

در دهه ۱۹۹۰ میلادی و همزمان با فروپاشی بلوک شرق، شواهدی به دست آمد که می‌توانست نتایج جدیدی را به وجود آورد. برخی جوامع و کشورها به سرعت به سوی مرزهای توسعه‌یافتگی در حرکت بودند در حالی که از سرمایه مادی و سرمایه انسانی مطلوبی برخوردار نبودند. در این زمان بود که محققان متوجه وجود سرمایه اجتماعی شدند. بدین ترتیب اقتصاددانان بر موضع سرمایه اجتماعی متمرکز شدند و ارزش آن را تا جایی بالا بردند که برخی آن را «موتور رشد اقتصادی» دانستند. آنان به این نتیجه رسیدند که اگر در جامعه‌ای سرمایه اجتماعی گسترش یابد و انباشت آن به حد کافی برسر، سرمایه انسانی و سرمایه اقتصادی، از مناطق دیگر به آن جامعه سرازیر می‌شوند (رنانی، ۱۳۸۵).

حلقه اتصال سرمایه اجتماعی به اقتصاد، مبادله است. سرمایه اجتماعی شرایطی را به وجود می‌آورد که فرد در مبادله، از سرقت فرصت‌ها به دلیل خسارتی که متوجه طرف مورد مبادله می‌شود، خودداری می‌کند و این مساله او را در مبادله قابل اعتماد می‌سازد، به نحوی که هزینه کنترل رفتار و نظارت بر طرف مبادله (هزینه مبادله) را کاهش می‌دهد. فوکویاما اعتقاد داشت

که جوامع و شبکه‌هایی که روابط مبتنی بر اعتماد بین آن‌ها وجود ندارد، مجبورند بر پایه اتصالات رسمی و قراردادهای دفتری، به نظم و تعادل برسند. بدین ترتیب آنان در کنش‌های اجتماعی مجبور به استفاده از قراردادهای از پیش تنظیم شده و هزینه‌های همراه آن خواهند بود. این هزینه‌ها مواردی هستند که در صورت وجود سرمایه اجتماعی و اعتماد وجود نخواهد داشت (رنانی، ۱۳۸۹).

کره جنوبی نمونه بارزی از کشورهایی است که توانست ظرف مدت چند دهه به سطح بالایی از توسعه دست یابد. این کشور در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ یکی از عقب افتاده‌ترین کشورهای آسیا به شمار می‌رفت. در جنگ جهانی دوم سیستم اقتصادی مستعمراتی بر این کشور حاکم بود که برای اهداف ژاپن طراحی شده بود. در جنگ دو کره نیز زیربنای اقتصادی کره از بین رفت و این کشور تا حد بسیاری به کمک‌های امریکا وابسته شد. اما متعاقب آن در سال ۱۹۶۲ برنامه‌های توسعه این کشور با عنوان برنامه‌های پنج ساله آغاز شد. توسعه صنعتی کره جنوبی بر مبنای عادی سازی روابط با ژاپن و استراتژی توسعه صادرات پایه گذاری شد. این روند در چند دهه ادامه یافت به نحوی که امروز اقتصاد کره جنوبی سیزدهمین اقتصاد بزرگ جهان و چهارمین اقتصاد بزرگ آسیاست (شیرخانی و واسعی زاده، ۱۳۹۰).

سرمایه اجتماعی سومین سرمایه از سرمایه‌های چهارگانه‌ای است که اقتصاددانان به اهمیت آن برای رشد و توسعه اقتصادی پی برده‌اند. در واقع بدون سرمایه اجتماعی، امکان ترکیب و همکاری سرمایه‌های اقتصادی و انسانی برای تولید و رشد وجود ندارد. در بستر سرمایه اجتماعی است که دو سرمایه دیگر با هم ترکیب می‌شوند و به محصول و خدمت و ارزش تبدیل می‌شوند (رنانی، ۱۳۹۳).

سرمایه اجتماعی - که در ایران در یکی دو سال اخیر به گونه‌ای فزاینده در دهان عام و خاص افتاده است - با این خطر رو به رو ست که با ساده سازی‌ها و بدفهمی‌هایی مواجه شود که بسیاری از دیگر واژگان تخصصی شده‌اند. حتی در مورد سرمایه اجتماعی این خطر وجود دارد که دستاویز همان کسانی شود که خود سرمایه سوزند. مفهوم این واژه اگر به ظاهر ساده است اما تحقق آن در عالم بیرون و در جامعه، فرایندی بس پیچیده است. بیم آن می‌رود که برخی گمان کنند سرمایه اجتماعی را می‌توان همچون سایر سرمایه‌ها، با برنامه ریزی تولید کرد. سرمایه اجتماعی چونان پروژه نیست، بلکه پروسه است. سرمایه اجتماعی با دستور و موعظه تولید نمی‌شود بلکه با عمل تک تک کنشگران اجتماعی شکل می‌گیرد. سرمایه اجتماعی آیینی تمام نمای هر آن چیزی است که ملت‌ها از فرهنگ و تمدن و اخلاق و تاریخ و فناوری دارند. سرمایه اجتماعی عصاره فضایل ملت‌هاست. نیز یگانه سرمایه ای است که تولید نهایی‌اش نزولی نمی‌شود. سرمایه اجتماعی پدیده‌ای خود افزاست و اگر در مسیر رشد باشد، خود را به گونه‌ای فزاینده تقویت می‌کند لیکن اگر در مسیر تخریب باشد، بهمن‌وار به تخریب خود می‌پردازد (فرانکوئیس، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۲).

فاین (۲۰۰۲) معتقد است، سرمایه اجتماعی به منزله چسبی است که انسجام جوامع را تضمین می‌کند و بدون آن هیچ رشد اقتصادی یا بهزیستی انسانی میسر نمی‌شود. بدون سرمایه اجتماعی، سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت برای رشد اقتصادی تحقق نمی‌یابد. زیرا نیاز به مشارکت مردم که به نوبه خود بر پایه اعتماد متقابل بین مردم و دولت استوار است، دارای اهمیت کلیدی است.

از فروردین سال جاری نرخ دلار از ۵ هزار تومان تا ۲۰ هزار تومان در حال نوسان بوده است، نرخ

بیکاری ۱۲/۱٪ (+۱۰/۴٪ اشتغال ناقص)، تورم دورقمی (بین ۱۰ تا ۱۲۰ درصد بسته به نوع محاسبه تورم با مبنای گذشته‌نگر و آینده‌نگر) رسیده است. آمارهای غیررسمی از افزایش نزدیک به ۱۰۰٪ ای قیمت مسکن و خودرو طی کمتر از ۶ ماه حکایت دارد و تفاوت قیمت کارخانه و بازار آزاد خودرو پراید به عنوان پرحرف و حدیث‌ترین خودرو طول تاریخ صنعت ایران، به بیش از ۲۰ میلیون تومان رسیده است. این حجم از ناپایداری در اقتصاد کلان و در بازه‌ای به این کوتاهی قطعاً بحران اقتصادی محسوب می‌شود ولی توجه به این نکته ضروری است که ریشه این بحران اقتصادی، صرفاً در مسائل اقتصادی نیست و تقلیل اقتصاد به اقتصاد، نوعی آدرس غلط دادن محسوب می‌شود. در چنین فضایی ترمیم سرمایه اجتماعی امری محال به نظر می‌رسد و نه تنها اصلاح ساختار اقتصادی بلکه هرگونه تغییر مؤثری اساسی که نیاز به حمایت همه‌جانبه مردم باشد را محال نشان می‌دهد (سایت ایگنا، ۱۳۹۷).

سرمایه اجتماعی از تعریف روشن و دقیقی برخوردار نیست و همچنین یک وضعیت کیفی را توصیف می‌کند که بر جامعه و روابط بین افراد و گروه‌ها حاکم است. وجود این فضا، روابط بین افراد را تسهیل کرده و اعتماد بین آن‌ها را بهبود می‌بخشد. بدیهی است اندازه‌گیری و ارائه شاخصی که بتواند چنین فضایی را به خوبی ترسیم کند، بسیار پیچیده است. از آنجا که سرمایه اجتماعی دامنه وسیعی را شامل می‌شود، از این رو معیارها و شاخص‌هایی که برای سنجش آن معرفی می‌شوند کاملاً متنوع هستند (سوری، ۱۳۹۳).

سرمایه اجتماعی دارای ابعاد شناختی، ساختاری و ارتباطی است. در این پژوهش تمرکز ما بر بعد شناختی سرمایه اجتماعی است به این دلیل که سرمایه اجتماعی ماهیتی شناختی دارد که در ساختار و ارتباطات میان اعضای شبکه محقق می‌شود فلذا فضا شناختی در فضای ساختاری و

ارتباطی در هم تنیده و ممزوج می‌شود. با این حال تا فضای شناختی پدیدار نشود، نمی‌توان انتظار دستیابی به ابعاد دیگر سرمایه اجتماعی را داشت.

عدم تفکیک ابعاد سرمایه اجتماعی، موجب به مقصود نرسیدن بسیاری از پژوهش‌ها در این حوزه مطالعاتی است. حال سوال اساسی و مهم این است که چه عوامل شناختی بر سرمایه اجتماعی مردم در شرایط بحران‌های اقتصادی تاثیرگذار است؟

پیشینه موضوع

مطالعات زیادی در مورد اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی در تحقیقات خارجی و اندکی داخلی وجود دارد، اما تعداد بسیار اندکی از مقالات هستند که به بررسی سرمایه اجتماعی در مواقع بحران‌های اقتصادی پرداخته اند.

مطالعات داخلی:

- بررسی رابطه بین نوسانات درآمدهای نفتی و اندازه دولت بر سرمایه اجتماعی در ایران (۱۳۹۴) توسط کریمی و همکاران انجام گرفته است. در این پژوهش به روش فوکویاما از وجود ناهنجاری به عنوان شاخص نشان دهنده نبود یا تخریب سرمایه اجتماعی استفاده شده است. در نتیجه سرمایه اجتماعی بصورت میانگین دو شاخص سرانه پرونده‌های قضایی (شامل چک‌های برگشتی) و سرانه حقیقی مطالبات غیرجاری سیستم بانکی (شامل معوقات) از بخش خصوصی تعریف شده است. نتایج نشان داد که روند سرمایه اجتماعی در ایران نزولی است.

- تورم و کاهش سرمایه اجتماعی ایران (۱۳۹۳) زبیری و ابراهیمی، طی دوره ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ به بررسی اثر تورم بر سرمایه اجتماعی پرداختند. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از تاثیر منفی و معنی دار تورم بر سرمایه اجتماعی طی دوره مورد بررسی بود. نکته قابل توجه پژوهش اشاره به اثر منفی ناشی از شوک تورمی تا ۲۳ دوره بعد در سرمایه اجتماعی بود که با توجه به اینکه بازسازی سرمایه اجتماعی پس از تخریب آن بسیار مشکل خواهد بود، ضرورت برنامه‌ریزی جهت کاهش نرخ تورم در اقتصاد ایران را بیش از پیش نمایان می‌کند.

- شیرخانی و واسعی زاده (۱۳۹۰) به مطالعه «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی: بررسی مقایسه‌ای

ایران و کره جنوبی» پرداخته‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که ارتباطی معنادار بین پایین بودن سطح کلی سرمایه اجتماعی در ایران و ناکامی در دستیابی به اهداف توسعه‌ای کشور قابل مشاهده است. در مقابل بالا بودن سطح سرمایه اجتماعی در کره جنوبی نقشی مثبت در دستیابی کره به جایگاه ممتاز از نظر توسعه اقتصادی داشته است.

- اثر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی (۱۳۸۹) رنانی و دلیری در این مطالعه در دوره ۱۳۷۹-۱۳۸۴ به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی همچون سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی دارای اثر مثبت و معنی داری روی رشد اقتصادی بوده است.

مطالعات خارجی:

- نقش ساخت و اتصال سرمایه اجتماعی شناختی در انگیزه های کارآفرینی در اقتصادهای در حال گذار (۲۰۱۷). در این مقاله به نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی کشورها برای آینده اشاره شده است و براساس تئوری شناخت اجتماعی استدلال می‌کند که ساخت و پیوند سرمایه اجتماعی شناختی می‌تواند کارآفرینی را در کشورهای مورد مطالعه (مقدونیه و کرواسی) تاثیرگذاری مثبتی داشته باشد. نتایج این مطالعه نشان داد که با افزایش سرمایه اجتماعی شناختی در محیط کار، جوانان برای خودکفایی تلاش می‌کنند.

- تاثیر سرمایه اجتماعی بر خودکشی دانش آموزان کالج در یونان در طول بحران اقتصادی (۲۰۱۸). در این پژوهش به مطالعه عوامل شناختی که بر دانش آموزان در طول بحران اقتصادی موثر بودند بصورت مقطعی پرداخته شد و نتایج حاکی از این بود که بین سرمایه اجتماعی و خودکشی و خودسوزی دانش آموزان ارتباطی پیدا نشد.

- سرمایه اجتماعی تحت شرایط بحران اقتصادی - نمونه ای از کشورهای جنوب اروپا (۲۰۱۸). در این پژوهش روندهای موثر بر سرمایه اجتماعی در طی بحران‌های اقتصادی مورد مطالعه قرار گرفته است. برای این منظور نتایج نظرسنجی‌های را قبل و بعد از سال ۲۰۰۷ مقایسه کردند و همچنین مطالعات نظری نشان داد که هیچ طرح تجربی جهانی برای مقابله با بحران از نظر سرمایه اجتماعی طرح ریزی نشده است.

- اعتماد در زمان بحران اقتصادی در اسپانیا: پارادوکس‌هایی برای نظریه سرمایه اجتماعی (۲۰۱۸). موسسه پژوهشی اقتصاد کاربردی در بارسلونا از جمله موسساتی است که به منظور توسعه سنجی اقتصادهای کوچک و کلان و برای تجزیه و تحلیل فعالیت‌های اقتصادی به ارزیابی سرمایه اجتماعی می‌پردازد.

روش‌شناسی طرح

سناریونویسی

سناریونویسی پاسخگوی نگرانی‌ها در مورد روش‌های برنامه‌ریزی رسمی است و رویکردی انعطاف‌پذیر به برنامه‌ریزی دارد و جایگزین‌های ممکن زیادی را برای آینده در نظر می‌گیرد، اما تجربه یکسانی برای استفاده از سناریونویسی وجود ندارد و رویکرد استاندارد برای نهادینه کردن آن بین حکومت و مدیریت دولتی نیست. با اینکه در سال‌های اخیر، در ادبیات و بخش اجرایی این موضوع رواج پیدا کرده است، اما هرگز یک رویکرد استاندارد برای آن وجود نداشته است. در ادبیات سناریونویسی، روش متکی به مدل‌های از پیش تعریف شده وجود ندارد و سناریوها معمولاً از توانایی‌های منحصر به فرد افراد تاثیر می‌پذیرند. واقعیت این است که با وجود مطالعات زیادی که پیرامون سناریونویسی انجام شده است، پژوهشگران هنوز هم تردید دارند که کدام روش یا مدل یا تکنیک را در کدام شرایط به کار گیرند؛ طبق نظر زگراس و همکاران «هرکس براساس توانایی خود از روش‌های مرسوم استفاده می‌کند».

سناریونویسی به سیاست‌مداران کمک می‌کند تا درک بهتری از محیط خارجی خود داشته باشند و به سرعت هشدارهای دریافتی از محیط را شناخته و مشکلات موجود یا در حال ایجاد را پالایش کرده و برای حل آن‌ها، راهبردهایی را تدوین و اتخاذ کنند. همچنین، کمک می‌کند تا تعارض‌های بین منافع و ارزش‌های جامعه را مدیریت کرده و زمینه مناسبی برای فعالیت‌های آینده ایجاد کنند؛ این امر، ماهیت اصلی خط‌مشی - گذاری است (عظیمی و همکاران، ۱۳۹۳).

سناریونویسی یکی از شیوه‌های رایج آینده‌پژوهی است که از اطلاعات مربوط به احتمالات و

روندهای آینده، تصاویری باورپذیر و به لحاظ درونی سازگار از آینده ایجاد می‌کند. طراحی سناریو یک روش برای توسعه و تفکر درباره موقعیت‌های آینده ممکن براساس چندین سناریوی مختلف است. برای درک صحیح از سناریو، در ابتدا لازم است «ماهیت عدم قطعیت‌ها» تبیین شود. عدم قطعیت‌ها به عواملی اشاره دارند که نتایج آن‌ها شناخته شده است، اما هنوز اتفاق نیفتاده اند. در نتیجه منظور از عدم قطعیت در این نوشتار، میزان غیرمترقبه بودن تحولات و اتفاقاتی است که در آینده (در افق زمانی سناریوها) رخ خواهد داد (رضضانی و همکاران، ۱۳۹۶).

به طور کلی روش‌های مختلفی برای طراحی سناریو رواج یافته است که یکی از پرکاربردترین و قدرتمندترین روش‌های تدوین سناریو، روش «ماتریس عدم قطعیت‌ها» یا «روش دو محور» است که برای نخستین بار توسط شرکت نفتی شل مورد استفاده قرار گرفت. این الگو در تمام دنیا در سناریونویسی حاکم است. در این روش، تدوین یک سناریو یک روش سازمان یافته است که در آن با استفاده از کشف نیروهای پیشران کلیدی و عناصر نسبتاً معین و عدم قطعیت‌های موثر، سناریوها تدوین می‌شوند. سناریوها در واقع چندین الگوی متمایز از آینده‌های ممکن هستند، که کشف و تعریف می‌شوند و همواره در مجموعه‌هایی که حاوی بیش از یک سناریو هستند، برای بیان عدم قطعیت آینده ظاهر می‌شوند. منظور از «عدم قطعیت‌های» کلیدی مسائلی درباره آینده یک پدیده است که پیش بینی آن دشوار است، ولی تاثیر چشمگیری بر موفقیت برنامه‌های در دست اجرا دارد. در واقع آن دسته از عوامل محیطی را که در طراحی سناریوها، دارای بالاترین میزان اثرگذاری و عدم قطعیت باشند، عدم قطعیت‌های کلیدی گویند (همان).

درواقع در روش ماتریس عدم قطعیت‌ها، با تقسیم فضای رتبه بندی هر یک از پیشران‌ها می‌توان مسائل را به مناطق کلی زیر تقسیم کرد:

۱- تاثیر بالا- عدم قطعیت پایین،

۲- تاثیر پایین- عدم قطعیت پایین،

۳- تاثیر پایین- عدم قطعیت بالا،

۴- تاثیر بالا- عدم قطعیت بالا.

براین اساس مسائل دارای رتبه بندی تاثیر بالا- عدم قطعیت پایین، مسائلی عمده اما دارای ثبات نسبی هستند. می توان به مسائلی که دارای تاثیر پایین- عدم قطعیت پایین هستند، به سرعت پرداخت. به طور کلی این مسائل نیازی به صرف وقت زیاد برای تحلیل ندارند. عناصر این دو طبقه بندی بنا به تعریف، عناصر از پیش مشخصی هستند. مسائلی که به عنوان تاثیر پایین-عدم قطعیت بالا رتبه بندی می شوند، نیاز به تحقیقات بیشتر به دلیل رتبه بندی بالای عدم قطعیت دارند. رتبه بندی های عدم قطعیت بالا به معنای آن است که نتایج پایانی این مسائل ناشناخته هستند. سرانجام مسائل و عناصر دارای برچسب تاثیر بالا-عدم قطعیت بالا را «عدم قطعیت های بحرانی» می نامند. آن ها دارای توان بالقوه تغییر بنیادین فرض های دستور کار راهبردی و مسائلی با نتایج بسیار قطعی هستند. از این عدم قطعیت های بحرانی برای ساخت منطق سناریوها استفاده می شود (همان).

بدین ترتیب می توان گفت در جهان کنونی که مشخصه های آن عدم قطعیت، نوآوری و تغییر مداوم است، تفکر سناریویی و سناریونویسی به عنوان یک ابزار یا تکنیک مفید برای مقابله با این عدم قطعیت ها و پیچیدگی ها ایجاد و توسعه یافته است که بر مبنای آن می توان با شناخت از آینده تغییر و تحولات به وجود آمده در آن، شرایط تهدید آفرین و بحران زا را به موقعیت های

مناسب تبدیل کرد و شرایط و زمان کنونی را بر اساس آن مدیریت نمود. این امر مستلزم شناخت صحیح از آینده‌های ممکن پیش رو، عوامل تاثیرگذار بر آن و شناخت پدیده‌های نوظهور و شگفتی ساز است که آینده را در معرض تغییر و تحول چشمگیر قرار می‌دهند (همان).

مروری بر مبانی نظری

مفهوم سرمایه اجتماعی

اهمیت و نقش مفهومی به نام سرمایه اجتماعی-به عنوان مفهومی نسبتاً نوظهور- در عرصه مطالعات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع و کارکردهای مهم آن، نقشی روشن و غیرقابل انکار است. چه از اینرو که سرمایه اجتماعی یکی از اساسی ترین مفاهیمی است که به صورت مستقیم و روشن با حیات اجتماعی مردم درگیر است. وجود این مولفه اساسی، به قدری برای بقاء یک سرزمین و سیستم سیاسی اهمیت دارد که در خیلی از حوزه‌های مرتبط به دنبال برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری برای آن هستند. در نتیجه امروزه و در فضای مدیریتی نوین، حاکمان و مدیران عنایت ویژه‌ای به سرمایه اجتماعی دارند. در کنار سایر انواع سرمایه‌ها؛ همچون سرمایه فرهنگی-انسانی، سرمایه فیزیکی و سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی نیز از اهمیت زیادی برخوردار شده و نگاه‌داشت، ساخت و توسعه آن در جوامع زیادی مورد توجه قرار گرفته است.

توجه به سرمایه اجتماعی البته منحصر به سیاست‌ورزی در دوره جدید نبوده و قبل از این نیز، وجود داشته است. ایده اساسی سرمایه اجتماعی در ارزشمند و مثبت قلمداد کردن تعاملات اجتماعی را می‌توان به آرای صاحب نظران کلاسیک جامعه‌شناسی برگرداند. لوکا آندریانی (۲۰۱۳) معتقد است که آدام اسمیت پیش‌تر با تأکید بر اهمیت چگالی شبکه‌ها و انجمن‌های تجاری به عنوان کانال‌ها اصلی انتقال شهرت و اعتماد پذیری هرچند در راستای منافع فردی، به شکلی بر نقش پیوندهای اجتماعی صحنه گذاشته است. همچنین آنتونیو ژنوسی نویسنده ایتالیایی قرن هجدهم، توسعه نیافتگی ناپل را در مقایسه با سایر مناطق ایتالیا به فقدان اعتماد عمومی نسبت داده است. جیمز فار نیز در تلاشی دیگر برای ردیابی ایده سرمایه اجتماعی در آرای

اقتصاددانان سیاسی در قرن نوزدهم، به کسانی که چون کارل مارکس، هنری سیگویک، جان کلارک، ادوارد بلمی و به ویژه جان دیویی اشاره می‌کند که به اهمیت وجه اجتماعی سرمایه اجتماعی پی برده بودند.

اما اصطلاح سرمایه اجتماعی، به صورتی که امروز دیده و شنیده می‌شود، در تفکر دوره‌های پیش وجود نداشته و رهاورد تفکر مدرن است. تاکید زیادی که اهالی اندیشه و علم در حوزه‌های گوناگون به بهره‌گیری از این مفهوم داشته‌اند، منجر به این شده که سر این رشته، به حوزه‌هایی غیر از علوم اجتماعی نیز کشیده شود و در نتیجه گستره استفاده از این مفهوم بسیار وسیع‌تر از قبل شود.

امروزه رشته‌های مختلف درصددند که در بازار کار و حوزه مدیریت‌شان از پشتوانه یا اندوخته‌ای به نام سرمایه اجتماعی بهره‌گیرند و در نتیجه پروژه‌های مختلف خود را به نوعی در پیرامون این مفهوم بازتولید و بازنگری کنند. آن‌ها می‌دانند که جامعه مخاطب‌شان بخشی از همین سرمایه است و با مدیریت درست این عرصه می‌توان همراهی این مخاطبان را تبدیل به یک بایسته همیشگی کرد. البته این عنایت همگانی، از سوی دیگر نیز منجر به بروز آسیب‌هایی شده که ساحت سرمایه اجتماعی را به نوعی دچار آشفتگی و التقاط کرده است.

سلیمان پاک سرشت در کتاب بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران، به این نکته اشاره داشته و در این باره می‌نویسد که: «به دلیل گسترش کاربرد اصطلاح سرمایه اجتماعی طی دهه‌های اخیر و در حوزه‌های مختلف از یک سو و گستره وسیع ویژگی‌ها و مولفه‌هایی در حیات اجتماعی که قادر به تولید خیر جمعی هستند از سوی دیگر، نوعی آشفتگی در تعریف این مفهوم بروز کرده است (پاک سرشت، ۱۳۹۳).

این در حالی است که تلاش علاقمندان علوم اجتماعی برای دور نگه داشتن مفاهیم از ساحت دیگر علوم، موثر نبوده و نمی توان در دنیای امروز مرزبندی کلاسیک را اعمال نمود. به همین دلیل می توان گامی فراتر نهاد و ارتباط این دو عرصه را با رعایت موازین علمی و منطقی، همچنان برقرار نگاه داشت و حتی در مواردی نیز تقویت کرد. از همین روست که مفهوم سرمایه اجتماعی، امروزه یک مفهوم بین رشته‌ای محسوب می‌شود. در واقع همکاری بین رشته‌ای برای بهره برداری از این مفهوم، هرچند که سود چندانی برای علوم اجتماعی در پی نداشته، اما منجر به این شده که سرمایه اجتماعی جایگاه خود را در عرصه مدیریتی پیدا کند و بتواند وارد فاز اجرایی و برنامه‌نویسی عملی شود. این گام مهمی است که شاید زمینه ساز همکاری‌های بیشتر میان اندیشمندان علوم اجتماعی و مدیران را نیز در آینده نزدیک فراهم آورد.

از سوی دیگر نیز این همکاری هرچند در بعد نظری چندان دقیق عمل نکرده و نتوانسته کمک شایانی به تعریف اصطلاح سرمایه اجتماعی نماید. به بیان آکچوماک، محققان سرمایه اجتماعی خود از سرمایه اجتماعی بی‌بهره‌اند. به این معنی که محققان سرمایه اجتماعی در رشته‌های مختلف گرایش دارند که آرای صاحب نظران خاصی را در زمینه سرمایه اجتماعی در مطالعات خود مبنا قرار دهند و در نتیجه یافته‌های آنان به دلیل منابع نظری متفاوت خصلت تراکمی و هم افزایی پیدا نمی‌کند (پاک سرشت، ۱۳۹۳).

تعریف سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیمی است که اخیراً در مطالعات اقتصادی نقش عمده‌ای پیدا کرده است. اما همواره بین اندیشمندان اقتصادی، بر روی چگونگی اثرگذاری این متغیر اجتماعی بر تولید اقتصادی تردید وجود دارد (رنانی، ۱۳۸۹).

-بورديو (۱۹۸۵) اولین کسی است که به زعم پورترز تحلیل منظمی از سرمایه اجتماعی به دست داده است، از دیدگاه بورديو، سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی قابل شناسایی است و سرمایه اقتصادی شکل غالب سرمایه است و انواع دیگر سرمایه [فرهنگی و اجتماعی] -ابزاری برای رسیدن به سرمایه اقتصادی است. به عبارت دیگر اگر سرمایه فرهنگی یا اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه اقتصادی شود، ارزشی نخواهد داشت (الوانی، ۱۳۸۱).

-کلمن (۱۹۹۰) سرمایه اجتماعی را از دیدگاهی دیگر مطالعه می‌کند، به این ترتیب که سرمایه اجتماعی را با توجه به نقش و کارکردی که دارد تعریف می‌کند. براین مبنای سرمایه اجتماعی «ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منابعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست پیدا کنند». برخلاف بورديو که سرمایه اقتصادی را به عنوان هدف نهایی در نظر می‌گیرد، کلمن حصول به سرمایه انسانی را هدف نهایی می‌داند، اما همچنان سرمایه اجتماعی نقش ابزاری را ایفا می‌کند و بعنوان ابزار برای رسیدن به سرمایه انسانی قلمداد می‌شود.

-پوتنام (۱۹۹۳) به تاثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم‌های سیاسی تاکید می‌کند و سرمایه اجتماعی را «مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تامین خواهد کرد».

پوتنام سرمایه اجتماعی را ابزاری برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی می‌داند و تاکید عمده وی بر مفهوم اعتماد است. جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی موجب دستیابی به توسعه سیاسی می‌شود.

نکته مهمی که باید در تعریف و بیان کارکردهای سرمایه اجتماعی به آن اشاره کرد، این است که سرمایه اجتماعی مثل بسیاری از مفاهیم موجود در علوم اجتماعی، نزد اندیشمندان مختلف تعاریف متفاوتی داشته باشد. به این معنا که تعریف اندیشمندی از سرمایه اجتماعی، کارکرد این مفهوم در نزد دیگری باشد و کارکرد سرمایه اجتماعی نزد یکی، تعریف این مفهوم در اندیشه دیگری! اما آنچه در این میان مهم و قابل توجه است اینکه تمام مولفه‌های مورد اشاره در این تعاریف و اندیشه‌ها، تا حد زیادی همپوشانی دارند.

محققین	تعریف سرمایه اجتماعی	هدف	سطح تجزیه و تحلیل
بورديو	منابعی هستند که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.	رسیدن به سرمایه اقتصادی	افراد در حال رقابت با هم (فرد با فرد)
کلمن	جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که اعضا از آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند.	رسیدن به سرمایه انسانی	افراد در گروه‌های فAMILI و اجتماعی (فرد با گروه)
پوتنام	اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که تسهیل کننده همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است.	رسیدن به دموکراسی و توسعه اقتصادی	حکومت‌های سیاسی در سطح ملی (گروه با حکومت ملی)

جدول تعاریف و سطح تحلیل و اهداف سرمایه اجتماعی (الوانی ۱۳۸۱)

پرداختن به سرمایه اجتماعی، با توجه به آنکه مفهومی پیچیده و با تعاریف و تقسیم بندی‌های مختلف است، می‌تواند گسترده و گاه پراکنده و مغشوش باشد یکی از تعاریف بومی سرمایه اجتماعی برای توضیح آن در نظر گرفته شده است:

سرمایه اجتماعی عبارت است از شبکه روابط اجتماعی که منسجم‌کننده تعاملات انسان‌ها با

یکدیگر و سازمان‌ها است. سرمایه اجتماعی مجموعه مفاهیمی است همچون اعتماد متقابل، پذیرش رقابت منصفانه، همکاری، در نظر داشتن منافع جمعی، مشارکت، قانون‌پذیری، مسئولیت‌پذیری و غیره که امروزه در ادبیات توسعه و جامعه‌شناسی توجه بسیار زیادی را به خود جلب کرده است. سرمایه اجتماعی مفهومی است که از بین هزاران کنش متقابل هر روز مردم به وجود می‌آید (سام آرام و همکاران، ۱۳۸۹).

ابعاد سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی یکی از مفاهیمی است که دارای ابعاد گوناگون است. طرح حاضر برای مشخص کردن دامنه ارزیابی این مفهوم، حوزه مطالعه خود را به یک بعد محدود کرده و در نتیجه ابعاد دیگر را کنار گذاشته است. اما برای روشن شدن این مطلب، ابتدا تعریف مختصری از این ابعاد ارائه شده و بعد درباره ابعاد شناختی مفهوم، مطالب بیشتری مطرح می‌شود.

الف) بعد ساختاری

این بعد الگوی کلی روابط سازمان‌ها و محیط را در نظر دارد. میزان ارتباطی که افراد با یکدیگر در یک جامعه یا سازمان برقرار می‌کنند، شامل پیوندهای موجود در شبکه، شکل، ترکیب و تناسب آن می‌شود.

ب) بعد ارتباطی

این بعد از سرمایه اجتماعی، ماهیت روابط را شامل می‌شود. ماهیتی که مشتمل بر اعتماد، تعهدات و هویت است.

ج) بعد شناختی

دربرگیرنده میزان اشتراک حاضران درون یک شبکه اجتماعی در یک دیدگاه با فهم مشترک و همدلی میان آنان است که مواردی نظیر زبان و کدهای مشترک و روایت‌های مشترک را شامل می‌شود (گوشال و ناهاپیت، ۱۹۹۸). بعد شناختی با استفاده از فهم و هم‌زبانی مشترک، بینش مشترکی از اهداف و ارزش‌ها را برای اعضای جامعه فراهم نموده و مقدمه فعالیت بهینه آنان را در سیستم اجتماعی فراهم می‌نماید (الوانی، ۱۳۸۱).

طبق این رویکرد، سرمایه اجتماعی یک پدیده ذهنی است که از مجموعه‌ای از ارزش‌ها و نگرش‌های موثر یا تعیین کننده افراد در مورد نحوه ایجاد ارتباط با همدیگر تشکیل شده است. به این ترتیب، سرمایه اجتماعی بر آن دسته از ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی تاکید می‌کند که افراد، جامعه و حاکمیت را به همکاری، تفاهم و همدلی با یکدیگر متمایل می‌سازد. همچنین موجب پیوند اعضای سازمان به همدیگر می‌شود و افراد را از انسان‌هایی خودخواه و خودپرست و دارای وجدان اجتماعی و حس تعهد متقابل ضعیف، به اعضای اجتماعی که دارای منافع و فهم مشترک درباره روابط اجتماعی و حس مشترک‌اند، تغییر می‌دهد (نیوتن، ۱۳۸۷: ۶۵).

در جدول یک شاخص‌های سرمایه اجتماعی برای هر یک از ابعاد ساختاری، ارتباطی و شناختی بیان شده است (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴):

بعد ساختاری	بعد شناختی	بعد هنجاری
نقش‌ها و قواعد	هنجارها	کیفیت روابط و تعامل اعضا
شبکه‌ها و روابط بین فردی	ارزش‌ها	ارتباط متقابل بین اعضا
رویه‌ها	نگرش‌ها	اعتماد اجتماعی
روابط افقی	باورها	پیوند اجتماعی
روابط عمودی	همبستگی و انسجام	
ایجاد منافع مشترک	همکاری	

بعد شناختی به بخش نامحسوس سرمایه اجتماعی مانند ارزش‌ها، عقاید، نگرش‌ها، رفتار و هنجارهای اجتماعی می‌پردازد. ارزش‌های شناختی به روحیه اعتماد و یکپارچگی اعضا و همین‌طور ارتباط متقابل که میان اعضای یک جامعه وجود دارد می‌پردازد این ارزش‌ها شرایطی را در جامعه به وجود می‌آورند که در آن اعضا برای اهداف مشترک می‌توانند با هم همکاری نمایند (الوانی، ۱۳۸۱).

شاخص‌های بعدِ شناختی سرمایه اجتماعی

الف) نگرش^۱

به حالتی ذهنی یا عصبی حاکی از تمایل، که از طریق تجربه سازمان یافته و بر پاسخ‌های فرد به تمامی موضوعات و موقعیت‌هایی که با آن در ارتباط است، تأثیری جهت‌دار یا پویا دارد، نگرش گفته می‌شود (اتوکلاین برگ، ۱۳۶۸).

ب) ارزش^۲

ارزش‌ها عبارت از نتیجه غائی هدف و مقاصد کنش اجتماعی است. ارزش‌ها چندان مربوط به اصول موجود نیستند بلکه مربوط به اصول آرمانی اند. یعنی در حقیقت ارزش‌ها، گویای احکام اخلاقی اند.

ج) هنجار^۳

هنجارهای اجتماعی شیوه‌های رفتاری معینی‌اند که در گروه یا جامعه متداول‌اند و فرد در جریان زندگی خود آن را می‌آموزد، به کار می‌بندد و نیز انتظار دارد که دیگر افراد گروه یا جامعه آن را انجام دهند. هنجارها، رفتار، قاعده، معیار، یا میزانی است که با آن رفتار اجتماعی اشخاص در جامعه سنجیده می‌شود. هر رفتاری که با آن تطبیق کند، رفتاری است به هنجار و اگر نسبت به آن انحراف داشته باشد نابهنجار نامیده می‌شود.

1 . Attitude
2 . value
3 . Norm

(د) عقیده یا باور^۱

در یک تعریف ساده و رسا، باورها یا عقیده‌ها، اندیشه‌هایی هستند که فرد به درستی و حقانیت آن‌ها اعتقاد دارد. کرچ و کرچفلید باور را چنین تعریف کرده‌اند: «باور، سازمانی باثبات از ادراک و شناختی نسبی درباره جنبه خاصی از دنیای یک فرد است» (روشبلو، ۱۳۷۱).

کارکردهای سرمایه اجتماعی

نکته مهم دیگری که پس از تعریف سرمایه اجتماعی می‌توان به آن اشاره کرد، کارکردهای این مفهوم در اجتماعات انسانی است. کارکردهایی که هرچند در حوزه‌های مختلف دسته‌بندی می‌شود، اما به لحاظ مبنا و ماهیت یکسان تلقی شده و تعریف واحدی دارد.

سرمایه اجتماعی از سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی ایجاد می‌شود و مزایای سودمندی هم به دنبال دارد. همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، سرمایه اجتماعی به افراد و گروه‌های اجتماعی کمک می‌کند تا به نتایجی برسند که در صورت دیگری قابل حصول نبودند یا تنها با هزینه اضافی قابل حصول هستند. پژوهش‌ها و مطالعات جدید حاکی از آن است که وقتی سرمایه اجتماعی از برنامه‌ریزی سناریو ایجاد شود، سرمایه اجتماعی ایجاد شده می‌تواند:

اولاً) دسترسی به اطلاعات جدید و جریان آن را تسهیل کند؛

ثانیاً) اتحاد یا علائق مشترک را افزایش دهد؛ به تعبیر دیگر، فرصت‌ها یا گزینه‌های استراتژیک بدیع را ایجاد کند؛ ثالثاً) فرصت‌های جدیدی برای اقدام جمعی ارائه کند (لانگ و رامیرز، ۲۰۱۷).

اما مدیریت و همچنین تقویت سرمایه اجتماعی، فرآیندی نیست که بدون راهبری و وساطت در جوامع قابل رسیدن باشد. در کنار مطالعات و برنامه‌ریزی‌های علمی در باب سرمایه اجتماعی، این واسطه‌ها هستند که می‌توانند به عنوان عوامل اجرائی، روند دستیابی به سرمایه اجتماعی را تسهیل یا با مشکل مواجه سازند. پس توجه به نقش آن‌ها، می‌تواند اهمیت زیادی در مطالعه سرمایه اجتماعی و به دنبال آن، مدیریت این مفهوم داشته باشد.

تولید و نگهداشت سرمایه اجتماعی در ارتباطات و تعاملات بین اعضای جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد

که در این محیط‌ها از سناریونویسی استفاده می‌شود. فرآیند مدیریت یا ایجاد سرمایه اجتماعی جدید به بازیگران این عرصه اجازه می‌دهد تا با دیگران ارتباط برقرار کنند و زمینه مشترکی ایجاد کنند که بر آن اساس باهم می‌توانند به بهترین شکل مطلوب مشارکت کنند. امری و تریست، معتقدند که رویکرد مناسب - برای مشارکت و تعاملات اجتماعی - «همدلی» است. (لانگ و رامیرز، ۲۰۱۷).

بعد شناختی سرمایه اجتماعی ارتباط ویژه‌ای به سناریونویسی دارد، چون سناریونویسی بر مقوله شناخت، توجه ویژه‌ای دارد. این امر از دهه ۱۹۸۰ مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است، زمانی که واک در توضیح تجربه خود در شرکت شل، توضیح داد که چگونه سناریوها توانستند با به چالش کشیدن این احتمال که آینده، مطابق پیش‌بینی آن‌ها پیش خواهد رفت و اینکه پیشنهاد مسیرهای دیگر و منطقی، می‌تواند بر مدل‌های ذهنی رهبران غلبه کنند. رایت و گودوین، معتقدند که سناریونویسی می‌تواند، رویه‌ای استاندارد باشد چون این روش می‌تواند جهان بینی‌های فردی و سازمان را به چالش بکشد. رایت، سناریوها را به عنوان «ابزار درک دیدگاه‌ها» تعریف کرد و هایدن، توضیح داد که چگونه سناریونویسی، برای تصمیم‌گیرندگان ابزار درک را فراهم می‌کند تا چیزی که ابتدا آشفته به نظر می‌رسد را بشناسند (لانگ و رامیرز، ۲۰۱۷).

بحران‌های اقتصادی

وقوع انقلاب صنعتی در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم سرآغاز نظام اقتصاد سرمایه داری است. از آن زمان تاکنون این نظام بحران‌های متعدد اقتصادی را پشت سر گذاشته است. از دیدگاه نظری دلایل زیادی وجود دارد که بتوان این فرضیه را تأیید کرد، که بحران‌های اقتصادی از پدیده‌های ذاتی در نظام اقتصاد سرمایه‌داری است. از سوی دیگر، وقوع ده‌ها بحران جدی در خلال دو قرن اخیر می‌تواند فرضیه فوق‌الذکر را به لحاظ مشاهدات و سنجش‌های آماری تأیید کند. با وجود این، نمی‌توان نتیجه گرفت که بحران‌های اقتصادی اساساً نگران‌کننده نیست و لذا نیازی به بررسی و تجزیه و تحلیل و تدوین سیاست‌های مناسب برای پیشگیری و مدیریت بحران ندارد. شاید بتوان این بحران‌ها را با وقوع زمین‌لرزه‌ها در نظام طبیعت مقایسه کرد زیرا اولاً لرزش زمین ذات این نظام طبیعی است و ثانیاً به طور مرتب و پیوسته وجود دارد هرچند وقوع بسیاری از آن‌ها احساس نمی‌شود اما توسط دستگاه‌های زلزله‌نگار قابل ثبت است. با وجود این برخی زمین‌لرزه‌ها جدی است و برخی دیگر بسیار نگران‌کننده و تعدادی مصیبت‌بار است.

تاریخ بحران‌های اقتصادی در دنیا نشان دهنده مخرب بودن بعضی از آن‌ها می‌باشد، که لازم به طراحی سیستمی هست تا بتواند جلوی آثار مخرب برخی از این بحران‌ها گرفته شود. لذا سیستم هشداردهنده در جهان اولین بار بعد از بحران ارزی کشورهای اروپایی در سال ۹۳-۱۹۹۲، بحران کشورهای آمریکای لاتین ۹۵-۱۹۹۴ و بطور جدی‌تر بعد از بحران کشورهای شرق آسیا در سال ۹۸-۱۹۹۷ مطرح شد، که تاکنون علاوه بر صندوق بین‌المللی پول که پیشرو این روش می‌باشد، یک سری مقالات دانشگاهی و تحقیقات بانک‌های مرکزی کشورها در این زمینه موجود می‌باشد. بنابراین در حوزه طراحی سیستم هشدار دهنده، بیشتر این تحقیق‌ها در حوزه بحران‌های

ارزی موجود می‌باشند و در حوزه بحران مالی پژوهش‌ها اندک می‌باشد ولی سعی شده است که از پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه بحران ارزی و بانکی نیز استفاده شود. بنابراین مدل‌های موجود در سیستم هشدار دهنده شامل مدل‌های ساختاری و غیرساختاری می‌باشد. مدل‌های ساختاری شامل مدل‌های لاجیت و پروبیت و سیستم منطق فازی و مدل‌های غیرساختاری شامل رویکرد سیگنالی می‌باشد. مثلاً در حوزه لاجیت و پروبیت مطالعاتی از ایچنگرین سال ۲۰۰۰، رز ویپلر سال ۱۹۹۶، کامینسکای و رینهارت سال (۱۹۹۸) درباره بحران ارزی و همچنین بوسایر و فراتزشر (۲۰۰۲) درباره بحران مالی موجود است و در حوزه رویکرد سیگنالی که معمولاً برای یک کشور واحدی صورت گرفته است، اوغلی برای اقتصاد ترکیه سال ۲۰۰۰، پارک برای اقتصاد کره جنوبی ۲۰۰۲، تامبونان سال ۲۰۰۲ برای اندونزی مطرح کردند. در ایران نیز نادری در سال ۱۳۸۲ تلاش کرد تا بتواند چنین سیستمی را برای اقتصاد ایران تبیین نماید.

تعریف بحران اقتصادی

در صورتی که هر کدام از متغیرهای اقتصادی در بخش کلان از قبیل مالی، پولی و بانکی، ارزی و بیش از دو برابر انحراف معیار از میانگین خود نوسان نماید (البته در جهت عکس اثرگذاری مثبت آن متغیر بر اقتصاد)، در آن بخش از اقتصاد یک بحران روی داده است. لذا هر چقدر این متغیرهای بحرانی و یا ترکیبی از آنها توانایی تاثیرگذاری بالاتری در اقتصاد داشته باشند منجر به بروز بحران‌های شدیدتری در کل اقتصاد خواهد شد (کامینسکای و سایرین، ۱۹۹۷).

انواع بحران اقتصادی

بحران مالی

به دورانی اطلاق می‌شود که به طور گسترده بسیاری از مؤسسات مالی یا دارایی به طور ناگهانی قسمت عمده‌ای از ارزش خود را از دست بدهند. در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ بسیاری از بحران‌های مالی با ورشکستگی‌های بانکی همراه شدند، و بسیاری از رکودها همراه با این ورشکستگی‌ها بود. موقعیت‌های دیگری که اغلب بحران مالی نامیده می‌شود شامل سقوط بازار بورس و ترکیدن حباب‌های مالی، بحران‌های پولی و ارزی و بحران ناتوانی در پرداخت بدهی‌های خارجی می‌باشد. بحران‌های مالی به طور مستقیم ارزش اسمی دارایی‌ها را کاهش می‌دهند و آن‌ها به طور مستقیم نتیجه‌ای در تغییرات دارایی‌های حقیقی ندارند بجزء اینکه یک رکود یا کسادى ادامه داشته باشد (کایندلبرگرو الیبر، ۲۰۰۵).

بحران بانکی

موقعی که یک بانک با خروج ناگهانی سپرده‌های خود مواجه می‌شود، این یک هجوم بانکی

نامیده می‌شود. زمانی که بانک‌ها بیشتر نقدینگی خود را به وام می‌دهند، اگر تقاضای ناگهانی برای همه سپرده‌ها به وجود آید، مشکل بزرگی برای سیستم بانکی در جهت برگرداندن سپرده‌ها ایجاد خواهد شد. بنابراین یک هجوم بانکی منجر به ورشکستگی بانکی می‌گردد و باعث می‌شود که سپرده‌گذاران از پس اندازه‌های خود بکاهند به جزء اینکه سپرده‌ها توسط بانک پوشش بیمه‌ای داده شده باشند. بنابراین زمانی که این هجوم بانکی از یک بانک به سایر بانک‌ها سرایت کند بحران سیستماتیک یا وحشت بانکی نامیده می‌شود. در مواقعی که هجوم بانکی گسترده نیست اما بانک‌ها بیشتر نگران بودجه کافی در دسترس در مواقع هجوم سپرده‌گذاران می‌باشند و تمایل چندانی به اعطای اعتبارات ندارند، این اتفاق اغلب یک سقوط اعتباری نامیده می‌شود. در این حالت بانک‌ها به سرعت به سمت بحران مالی سوق پیدا می‌کنند.

نمونه‌هایی از هجوم بانکی شامل هجوم بانک آمریکا در ایالات متحده در سال ۱۹۳۱ و بحران وام و پس انداز دهه ۱۹۸۰ که نتیجه آن سقوط اعتباری‌ای شد که از آن به عنوان دلیل عمده بحران ۹۱-۱۹۹۰ ایالات متحده نام می‌برند. هجوم بانکی به بانک نورتن راک در سال ۲۰۰۷ در انگلیس می‌باشد که در جریان شکل‌گیری بحران مالی اخیر و ورشکستگی بانکی بیراسترنز در سال ۲۰۰۸ که در فرایند بحران مالی اخیر روی داد (فراتیانی، ۲۰۰۹).

بحران‌های ناشی از حساب‌های سفته‌بازی و بحران‌های ارزی

بنا به تعریف هرگاه قیمت یک دارایی مالی از ارزش درآمدهای آتی در خلال عمر آن دارایی بیشتر باشد، حسابی را تشکیل داده است. اگر انگیزه اکثر معامله‌گران در بازار، از خرید دارایی معینی این باشد که بعداً آن را به قیمت بالاتری بفروشند و مطلقاً به درآمدی که این دارایی در طول زمان ایجاد می‌کند توجهی نداشته باشند، اصطلاحاً می‌گویند حسابی در حال شکل‌گیری

است. در صورتی که حبابی شکل گرفته باشد، همواره ریسک سقوط قیمت‌ها وجود دارد. در چنین وضعیتی معامله‌گران معمولاً خرید را تا آنجا ادامه می‌دهند که انتظار دارند دیگران را بخرند و لذا زمانی که تعداد زیادی از معامله‌گران با توجه اوضاع و احوال بازار و انتظاراتشان از آینده تصمیم بگیرند دارایی مورد نظر را بفروشند قیمت‌ها به سرعت کاهش خواهد یافت. البته تشخیص زمان شکل‌گیری و یا وجود حباب معمولاً چندان دقیق نیست زیرا قیمت دارایی‌های مالی (مانند سهام یا سایر اوراق بهادار) را نمی‌توان با توجه به عوامل بنیادین بازار به درستی و با دقت تعیین کرد. سقوط وال استریت در سال ۱۹۲۹ نمونه بارزی از ترکیدن حباب قیمت سهام در آمریکاست. حباب مسکن ژاپن در دهه ۱۹۸۰، حباب شرکت‌های تکنولوژی مانند آمازون و AOL در سال‌های ۲۰۰۱ - ۲۰۰۰ و حباب‌های بازار مسکن آمریکا در سال ۲۰۰۶ نمونه‌های دیگری از شکل‌گیری حباب است.

هرگاه کشوری که نرخ ارز ثابتی را پذیرفته است ارزش پولی ملی را به دلایلی از جمله نگرانی از معاملات سفته‌بازی کاهش دهد، اصطلاحاً می‌گویند با بحران ارزی یا بحران تراز پرداخت‌ها روبرو شده است. در سال‌های ۱۹۹۳ - ۱۹۹۲ برخی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا که «مکانیسم نرخ ارز اتحادیه اروپا» را پذیرفته بودند مجبور شدند ارزش پول ملی خود را کاهش دهند یا از این ساز و کار خارج شوند. بحران ارزی آسیا در سال‌های ۱۹۹۸ - ۱۹۹۷ و بحران مالی روسیه در سال ۱۹۹۸ که منجر به کاهش روبل و عدم توانایی دولت در بازپرداخت بدهی‌های خارجی شد نمونه‌های دیگری از بحران‌های ارزی است (گاربر، ۲۰۰۱).

بحران‌های اقتصادی در کشورها دارای منشأهای مختلفی هستند. گاه ایجاد این بحران‌ها درون‌زا است؛ یعنی به‌واسطه عوامل داخلی و در نتیجه نقص در سازوکارهای درونی اقتصاد یک کشور

حاصل می‌شود. این بحران‌ها در مواردی ناشی از فشار مسائل طبیعی است و عواملی چون خشکسالی، زلزله، آفت‌های گسترده و گرما و سرمای شدید، متغیرهای کلان اقتصادی همانند تولید را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهند و کشور را با مخاطره مواجه می‌سازند. برخی بحران‌ها در نتیجه شکست بازار حاصل می‌شوند؛ به این معنا که عواملی چون انحصار و زیاده‌خواهی، افشای سازوکار تولید و نبود حقوق مالکیت، شکستن قیمت‌ها، تباری‌های دوجانبه و چندجانبه میان کشورها، اعمال نفوذ سیاسی در اقتصاد و مواردی از این قبیل مانع شکل‌گیری بازار می‌شود و اقتصاد را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد.

همه موارد فوق از مواردی هستند که اقتصاد یک کشور را به طور واقعی متأثر می‌سازند. به عبارت دیگر در نتیجه این اتفاقات، متغیرهای اساسی اقتصاد (تولید، توزیع، مصرف، قیمت و ...) به طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌گیرند و کشور را با مشکل مواجه می‌سازند. برخی از این موارد تولید کشور را کاهش می‌دهند، برخی از این موارد با تغییر فرهنگ مصرفی، بحران آفرینی می‌کنند و برخی با خدشه در نظام توزیع کالا و خدمات، مویرگ‌های اقتصاد کشور را منقطع می‌سازند.

فرایند سناریو نویسی

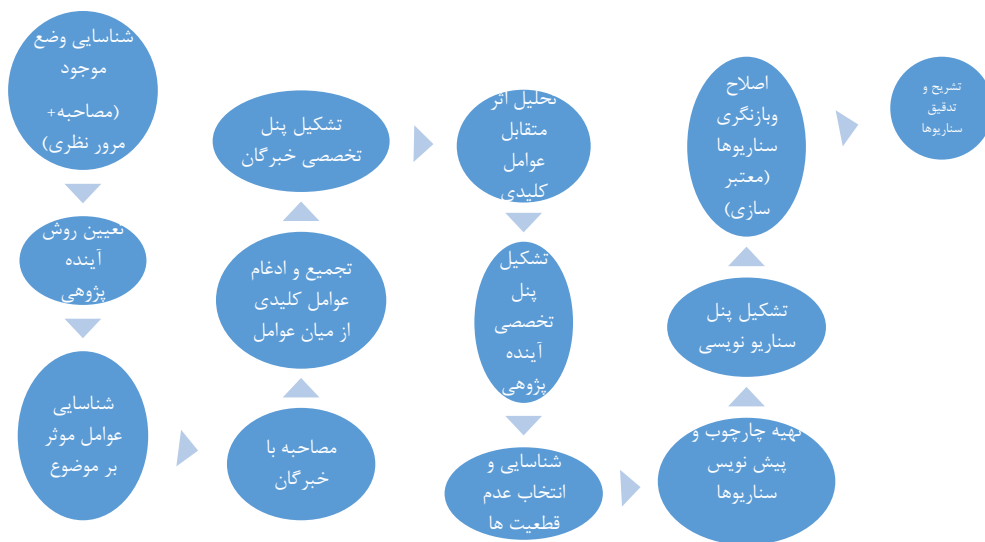
تحلیل محیطی

در این مرحله، حیطة کلی پروژه تعريف می‌شود. چارچوب مورد استفاده در این گام، فهرستی شامل مواردی هم‌چون تعیین موضوع و اهداف، سطح راهبردی تحلیل، مشارکت‌کنندگان، افق زمانی و ذی‌نفعان درگیر در پروژه است. این فهرست شامل پنج پرسش کلی است و گروه سناریوپردازی باید پیش از آغاز اجرایی فرایند سناریوپردازی، به این پرسش‌ها پاسخ دهند.

در این گام، در واقع، تعريف موضوع یا تصمیم‌های کلیدی سازمانی از موضوع که تأثیرات بلندمدتی دارند، مطرح می‌شود؛ هرقدر تصمیم یا موضوع موردبحث محدودتر باشد، تدوین سناریوها، آسان‌تر خواهد بود. در این گام، گفت‌وگو و مصاحبه با اعضای تصمیم‌ساز برای تشخیص و روشن‌تر ساختن تصمیم‌ها یا موضوع‌های اصلی صورت می‌پذیرد. تعريف اهداف پروژه برای تبیین دامنه پروژه، فعالیتی بسیار ضروری است. این اهداف و سطح تحلیل مرتبط با آن ممکن است بین‌المللی، منطقه‌ای و یا ملی باشد.

در هنگام توسعه سناریوها، شروع کار با نگاه از «درون به بیرون» به‌جای نگاه از «بیرون به درون» صورت داده می‌شود و آن عبارت است از شروع فرایند با شناسایی و انتخاب موضوع یا تصمیمی خاص درون حاکمیت و سپس بنای سناریوها به سمت محیط بیرونی. از سوی دیگر، تعیین مشارکت‌کنندگان در پروژه سناریو پردازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مشارکت افراد مناسب در فرایند سناریو پردازی، دارای حساسیت ویژه‌ای است. برای مؤثر بودن این فرایند، باید افرادی که از سناریوها استفاده خواهند کرد و هم‌چنین نماینده هر گروه، حضور داشته باشند.

در این طرح، ترکیبی از مدل‌های کمی و کیفی انجام گرفته است. همچنین شیوه‌های گردآوری اطلاعات، اسنادی و کتابخانه‌ای است. داده‌های کیفی با پرسشنامه باز و از طریق مصاحبه و بررسی اسناد و داده‌های کمی مورد استفاده در این پژوهش به صورت عددی و از طریق وزن‌دهی با نشست نخبگانی تهیه شده است. پس از گردآوری شاخص‌ها و متغیرها، ماتریس آثار متقابل در دو مرحله تشکیل شد، به طوری که شاخص‌ها در سطرها و ستون‌های آن قرار گرفته اند (شکل دو). برای تحلیل شاخص‌ها و متغیرها نرم افزار Mic Mac به کار گرفته شده است (زالی و عطریان، ۱۳۹۵).



شکل دو

بعد از مرور نظری بر منابع داخلی و خارجی و به دست آوردن مقوله‌های پژوهش، برای تکمیل یافته‌ها مصاحبه‌های عمقی از نخبگان را در دستور کار قرار دادیم. سوالات مصاحبه با توجه به کاستی‌های شاخص‌های سطح شناختی سرمایه اجتماعی در بحران‌های اقتصادی آغاز شد. مدت زمان مصاحبه از ۵۰ دقیقه تا ۱۲۰ دقیقه ادامه یافت. تمامی مصاحبه‌ها ضبط شده و برای استخراج نکات کلیدی مورد بررسی قرار گرفتند.

در این پژوهش ابتدا متن مصاحبه پیاده‌سازی شده و سپس کدگذاری اولیه صورت گرفته و محققان لیستی طولانی از کدهای مختلف از مجموعه داده‌ها را در نرم افزار MICMAC ایجاد کردند. سپس براساس اهداف خاص پژوهش، مفاهیم شکل گرفتند. برای به کار گیری روش دلفی، در سه مرحله پرسش‌هایی تهیه شد:

مرحله اول، که در آن مهم‌ترین عوامل موثر در مدیریت بعد شناختی سرمایه اجتماعی در بحران‌های اقتصادی در موضوعات محوری از کارشناسان پرسیده شد.

در مرحله دوم برای تعیین عوامل اصلی تاثیرگذار بر مدیریت بعد شناختی سرمایه اجتماعی از طریق وزن دهی که توسط دو نشست نخبگانی به دست آمد.

در مرحله سوم با توجه به نتایج به دست آمده، برای تعیین وضعیت‌های احتمالی پیش رو در آینده سرمایه اجتماعی در بحران‌های اقتصادی به کار گرفته شد. در نهایت با تهیه سناریوهای مطلوب و باورکردنی، راهبردهایی برای مدیریت بهینه بیان شده است.

محدوده و قلمرو پژوهش:

جامعه آماری این پژوهش خبرگانی هستند که می توان آن ها را به دو دسته تقسیم کرد:

الف) خبرگان علمی در دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها

ب) خبرگان اجرایی در سازمان‌ها و نهادها

موقعیت‌های شغلی افرادی که برای مصاحبه انتخاب شدند به قرار زیر است:

نمونه‌گیری تحقیق، به وسیله روش گلوله‌برفی انجام شد. در این روش نفر اول، شخص دوم را به پژوهشگر معرفی می‌کند و نفر بعدی نیز همین‌طور و این روند ادامه می‌یابد تا اشباع اطلاعات حاصل گردد. باتوجه به بحث گسترده و میان‌رشته‌ای موضوع مدیریت سرمایه اجتماعی، دشواری کار و تنوع در تخصص‌های خبرگان، بخصوص خبرگان اجرایی باعث گردید تا روند به اشباع رسیدن کمی طولانی‌تر از حد معمول شود.

افق زمانی: بسیاری از برنامه‌ریزان و دولت‌ها هنگام برنامه‌ریزی حداکثر چهار الی پنج سال آینده را در نظر می‌گیرند. در واقع آنچه امروز انجام می‌دهیم، در آفرینش دنیای پنج تا بیست سال آینده تاثیر بسزایی می‌گذارد. باید به خاطر داشته باشیم علیرغم پیوستگی و ارتباط گذشته، حال و آینده، تنها جایی که می‌توان تغییر داد، همین امروز است (زالی و عطریان، ۱۳۹۵).

براین اساس افق زمانی منتخب در این پژوهش، پنج سال آینده در نظر گرفته شده است.

هدف سناریو نویسی: ون تونن و همکاران به نوع شناسی انواع سناریو پرداخته‌اند که سه طبقه یا محور جامع و عمده براساس «چرایی» (هدف پروژه)، «چگونگی» (طرح فرایند) و «چه چیزی» (محتوا) وجود دارند.

سناریوی مورد نظر پژوهش حاضر براساس چرایی خواهد بود.

سطح راهبردی تحلیل: هر پژوهشی براساس روش شناسی ویژه اش مساله تحقیق را بررسی می کند. این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی از نظر ماهیت، بر اساس روش های جدید علم آینده پژوهی، تحلیلی و اکتشافی است.

اهداف پژوهش: تصویرسازی و ارائه آینده های محتمل -براساس افق زمانی منتخب- به تصمیم گیران بالادستی در راستای مدیریت سرمایه اجتماعی در بحران های اقتصادی.

ذینفعان: از آنجایی که مدیریت بهینه سرمایه اجتماعی باعث حفظ و بقای جامعه می شود، فلذا ذینفعان کلیت دولت و حاکمیت در ایران اسلامی قلمداد می شود.

قوانین و سیاست ها: مرور سیاست های کلی با موضوع سرمایه اجتماعی و بحران های اقتصادی، مصداق روشنی را پیش روی پژوهشگران نگذاشت. پس آن ها ملزم به حرکت در چارچوب کلیات موجود در این باره شدند.

چشم انداز: رصد اسناد بالادستی و چشم اندازهای کلی کشور در این باره نتیجه ای نداشت. سرمایه اجتماعی بعنوان یک مفهوم در این اسناد دیده نشده و از این رو محققان به ترسیم چشم اندازی کلی در این باره بسنده کردند.

حفظ و نگهداشت سرمایه اجتماعی نظام در بحران های اقتصادی، چشم انداز پژوهش ماست.

برای رسیدن به حل مساله طرح لازم است نکاتی بیان شود: نخست آنکه مدیریت سرمایه اجتماعی ناظر به سه سطح است؛

۱. مدیریت به منظور نگهداشت سرمایه اجتماعی برای حفظ وضع موجود و ممانعت از تنزل میزان سرمایه اجتماعی.

۲. مدیریت به منظور ارتقا و تقویت سرمایه اجتماعی برای افزایش میزان سرمایه اجتماعی.

۳. مدیریت به منظور ساخت و تولید سرمایه اجتماعی برای رسیدن به سرمایه های اجتماعی جدید.

سناریونویسی: برای رسیدن به فهم و منظور مشترک در سطح نخبگانی است و باعث می‌شود که جمع نخبگانی در مورد یک مساله به همدلی و درک مشترک برسند.

بعدشناختی سرمایه اجتماعی: یک فضای ذهنی که متشکل از ارزش‌ها، باورها، هنجارها، عقاید و ... است که افراد را به اعتماد، انسجام و مشارکت می‌رساند.

همانطور که گفته شد در این طرح ما به دنبال مدیریت به منظور نگهداشت سرمایه اجتماعی در بحران‌های اقتصادی هستیم.

براین اساس سوال مرکزی سناریو بدین‌گونه صورت‌بندی می‌شود:

عوامل محیطی که آینده بعد شناختی سرمایه اجتماعی را در بحران‌های اقتصادی تحت تاثیر قرار می‌دهند، چه خواهد بود؟

شناسایی عوامل کلیدی

در وهله اول مولفه‌ها، متغیرها و عوامل اصلی که بر سرمایه اجتماعی تاثیرگذار هستند، در قالب جدول STEEP (جدول دو) به دست آمد و تلاش شد تا از طریق مرور نظری و مصاحبه‌های تکمیلی عوامل اصلی مورد غفلت قرار نگیرند.

این جدول از پنج ستون و پنج ردیف تشکیل شده است. در ستون‌های جدول عوامل موثر بر سرمایه اجتماعی در حوزه‌های اجتماعی- فرهنگی، علم و فناوری، حوزه اقتصادی، زیست محیطی و حوزه سیاستی- حاکمیتی احصاء شده است. همچنین در ردیف‌های جدول به سطوح مختلف اشاره شده است؛ در سطح رفتاری؛ عوامل عینی، قابل سنجش و ملموس، در سطح ساختاری؛ عوامل سیستمی، نهادی و قانونی، در سطح ادراکی و احساسی؛ عوامل مرتبط با احساسات و ادراکات، در سطح ارزشی اولویت‌ها و ارزش‌های مشترک در جامعه و پارادایم‌های حاکم فرهنگی و در نهایت در سطح فکری باورها، اعتقادات، بنیان‌های فکری و فلسفی و جهان بینی و ذکر شده است.

عوامل موثر	حوزه اجتماعی فرهنگی	علم و فناوری	حوزه اقتصادی	زیست محیطی	حوزه سیاسی و حاکمیتی
سطح رفتاری	ویژگی های جمعیتی (سن، جنس، وضعیت تحصیلات، وضعیت درآمد، مهاجرت، تاهل، مهاجرت، بعد خانوار) انتظارات شغلی سبک های زندگی (مدرن، سنتی، تلفیقی) محرومیت اجتماعی، نابرابری های اجتماعی، آسیب های اجتماعی سطح مشارکت زنان	میزان دسترسی به فناوری سواد رسانه ای مواجهه با تکنولوژی‌ها نحوه برخورد از شبکه‌های اجتماعی	رشد اقتصاد ملی نرخ بیکاری نرخ تورم مهارت نیروی کار کارآفرینی فردی و اشتراکی سرمایه مالی مردم قیمت مسکن، سکه، دلار، طلا	آلودگی هوا مدیریت زباله بلاخیزی (میزان وقوع بلایای طبیعی) آلاینده های محیطی آب آشامیدنی و بهداشت	کارآمدی حکومت وضعیت نظام سیاسی چهره های سیاسی
سطح ساختاری	نهادهای مدنی روشنفکران و متفکران سلبریتی ها جریان رسانه های داخلی جریان رسانه های خارجی شبکه های اجتماعی مجازی هنجارهای اجتماعی	دولت الکترونیک سیستم ارزیابی عملکرد وجود زیرساخت های مناسب	شفافیت مبارزه با فساد سیاست های بازتوزیعی اشتغال زود بازده	مدیریت یکپارچه منابع طبیعی	قوانین دستورالعمل‌ها بهینگی سیستم کاهش ابهام مشورت با خبرگان عمل به وعده ها

<p>احساس عدالت اجتماعی</p> <p>احساس عدالت اقتصادی</p> <p>احساس عدالت قومی</p> <p>احساس آزادی</p> <p>احساس امنیت</p> <p>احساس همبستگی اجتماعی</p> <p>احساس امید و مسئولیت اجتماعی</p> <p>علاقه و احساس تاثیر سیاسی</p> <p>احساس بصیرت اجتماعی</p> <p>احساس دوستی</p> <p>احساس غرور ملی</p> <p>احساس اعتماد</p> <p>احساس بهبودی و آسایش</p> <p>پنداشت از مطلوب بودن جامعه</p> <p>تصور از ساخت طبقات جامعه</p> <p>پذیرش نابرابری اجتماعی</p> <p>ترجیحات ایدئولوژیک</p>	<p>سطح ادراکی و احساسی</p>
<p>ارزش‌های اخلاقی</p> <p>ارزش‌های شغلی</p> <p>هنجار صداقت</p> <p>هنجار وفاداری</p>	<p>سطح ارزشی</p>
<p>جهان‌بینی زندگی</p> <p>دین و مبانی هستی‌شناسی</p>	<p>سطح معرفتی</p>

جدول دو (شناسایی عوامل به شیوه STEEP)

بعد از بررسی جدول، مشخص شد که عوامل احصاء شده بسیار کلی بوده و دامنه وسیعی را شامل می‌شوند، از این رو محققان جدول دیگری را بصورت تالیفی و با توجه به مساله طرح، بازسازی کردند و در آن به نکاتی توجه شد:

● عوامل مورد نیاز در این تحقیق باید عواملی باشند که قابلیت کنترل داشته باشند، فلذا متغیرهای زمینه‌ای مانند: سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تاهل، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، محل سکونت در بررسی ما در عین مهم بودن تاثیری ندارند.

● مولفه‌ها از چند وجه قابل احصاء هستند:

۱- اثرگذاری بلند مدت یا کوتاه مدت

۲- عوامل نهادی (عینی) یا ذهنی

بعد از بررسی‌های متعدد، عوامل ذیل به عنوان عوامل کلیدی به دست آمدند.

عوامل کلیدی موثر در بعد شناختی سرمایه اجتماعی در بحران‌های اقتصادی:

ردیف	عوامل کلیدی تاثیرگذار	بعد	حالت ۱ (نامطلوب)	حالت ۲ (مطلوب)
۱	وضعیت نظام سیاسی	سیاسی	تعارض سیاسی - دولت گرایی - دولت رانتیه	ثبات سیاسی
۲	وضعیت سیاست بین الملل	سیاسی	تهدیدات سیاسی - تحریم و فشار غربی	امنیت سیاسی و کارآمدی
۳	تعهد گرایی و مسئولیت اجتماعی	فرهنگی - اجتماعی	فرصت طلبی	قانون پذیری و ملاحظه دیگران
۴	ادراک عدالت اقتصادی	اقتصادی	احساس تبعیض و رانت	احساس امنیت
۵	شفافیت ساختاری و اداری	سیاسی	فساد، اختلاس، رابطه گرای و ...	ضابطه گرایی، اطمینان و اعتماد
۶	رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی	فرهنگی - اجتماعی	شایعه، اخبار نادرست، شبهه افکنی، تردید افکنی	مدیریت محتوا
۷	کنش مسئولان و چهره‌های شاخص	فرهنگی - اجتماعی	بی موقع و محتوای نامناسب	به موقع و محتوای صحیح
۸	سطح مطالبات و انتظارات شهروندان	فرهنگی - اجتماعی	زیاده خواهی	مطالبه گری درست
۹	پنداشت مسئولان به مسائل اقتصادی	سیاسی	نگاه امنیتی و تهدید (انکارگونه)	پذیرش و اقدام برای حل مسائل - پاسخگویی - گفت و گو
۱۰	سطح امید به زندگی	فرهنگی - اجتماعی	احساس ناامنی	قابلیت ریسک سرمایه گذاری

جدول سه

تعیین پیشران‌ها

منظور از پیشران یا توصیف‌گر، هر متغیر تاثیرگذاری است که صحنه و محیط کلان مورد مطالعه ما را متحول کرده و تغییر می‌دهد. به عبارت روشن‌تر اینکه؛ پیشران‌ها، فاکتورهای اثرگذاری هستند که مدیران برای شناخت آنها دست به پژوهش، تحقیق و مصاحبه زده، پس از شناسایی این عوامل، از روش‌های مختلف مدیریت و آینده‌پژوهی، استفاده کرده و برای نیل به وضعیت مطلوب، برنامه‌ریزی می‌کنند. پیشران‌ها از دوجهت برای ما دارای اهمیت هستند؛ از یک سو در مقام توصیف، آینده را بر مبنای آن‌ها توصیف می‌کنیم و از سوی دیگر در مقام تجویز و مبتنی بر پیشران‌ها، آینده را مطابق با اهداف مدیریت می‌کنیم.

نخستین وظیفه در این گام، تعریف حیطه و سیستم تحت مطالعه است. دومین وظیفه، ایجاد انباری شناخته شده از تمامی پیشران‌ها و یا عوامل داخلی یا خارجی است که به سیستم هویت بخشی می‌کند. این انبار تا حد ممکن باید جامع بوده و در تشکیل آن از هیچ نکته‌ای چشم پوشی نشود. نقش مهمی که نخبگان حوزه مورد مطالعه، در اینجا ایفا می‌کنند، بسیار مهم و قابل توجه است. به این معنا که اگر در نخبگان در تعیین پیشران‌ها دچار اشتباه یا لغزش شوند، تمام روند برنامه‌ریزی و مدیریت در ادامه راه دچار کج‌روی شده و سیستم به نتیجه مطلوب خود نیز نمی‌رسد. در ادامه این روند و به منظور دستیابی به یک فهرست همگن، باید تمام پیشران‌ها فهرست شده، در صورت نیاز، تکمیل، طبقه‌بندی و یا در برخی از موارد حذف و اضافه شوند. پس از نخستین طبقه‌بندی پیشران‌ها و تفکیک پیشران‌های داخلی و خارجی، واژه نامه این پیشران‌ها باید تدوین شود.

تدوین واژه نامه پیشران‌ها در واقع به این نیت صورت می‌گیرد که تعریف درست و یک دستی

از این متغیرها برای همه افراد درگیر پروژه وجود داشته باشد. تعریفی ساده و درست که افزون بر ارائه درک فراگیر در تعریف پیشران‌ها، از سوء برداشت‌های احتمالی نیز جلوگیری کند. واژه نامه برای هر پیشران باید شامل تعریف پیشران از دیدگاه اعضای گروه، اشاره به مشکلات ایجاد شده از سوی آن، نشانه‌های گرایش تکاملی آن در گذشته و احتمالاً در آینده و همچنین شکست و توقف احتمالی در گرایش مفروض باشد (زالی و عطریان، ۱۳۹۵).

همانطور که در قسمت قبل بیان شد، از طریق آگاهی به دست آمده از محتوای مصاحبه‌ها و مرور منابع و اطلاعات، موارد کلیدی در تعیین پیشران‌ها بیان شد، سپس از آنجا که آینده نگاری فرآیندی نظام‌مند و مشارکتی بوده، مشارکت خبرگان صاحب نظر و آگاهان کلیدی در علوم اجتماعی، مدیریت رسانه، علوم ارتباطات، فلسفه و علوم سیاسی می‌تواند بسیار راهگشا باشد. بنابراین تحلیل‌ها و بررسی‌های موشکافانه عوامل احصاء شده در پنل خبرگان انجام شد. در این پنل‌ها همچنین به تحلیل اثر متقابل عوامل با روش نرم افزار میک مک پرداخته شده تا با کمی‌سازی نحوه ارتباط آن‌ها، ماهیت نسبی عوامل و ارزیابی آنان طبق نظرهای خبرگانی به دست بیاید. در تحلیل اثر متقابل با ورود عوامل منتخب و نمره‌گذاری میزان تاثیرگذاری دودویی آن‌ها توسط خبرگان، ماتریسی به دست آمده که از چهار ربع مجموعه عوامل پیشران کلیدی (فقط بسیار تاثیرگذار)، مجموعه عوامل سیاستی و برنامه‌ای یا دوگانه (بسیار تاثیرگذار و همچنین تاثیرپذیر)، مجموعه عوامل رصد و شاخص (فقط بسیار تاثیرپذیر) و عوامل بی اثر (نه تاثیرگذار و نه تاثیرپذیر) تشکیل شده است. این ماتریس خروجی و مختصات هر عامل در آن، علاوه بر کمک در تشخیص ماهوی عوامل، به انتخاب عدم قطعیت‌های سازنده محورهای سناریونویسی کمک شایانی می‌نماید (برومند و همکاران، ۱۳۹۵).

در این روش با تشکیل ماتریس اثرات متقابل مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و نظر خبرگان، میزان اثرگذاری و اثرپذیری هر عامل نسبت به دیگری توسط خبرگان برآورد خواهد شد. حاصل جمع سطرهای ماتریس میزان اثرگذاری هر عامل را نشان خواهد داد و حاصل جمع ستون‌ها، میزان اثرپذیری را مشخص خواهد کرد و هر عامل، آرایه‌ای دو بعدی خواهد شد (X, Y) که X نشان دهنده اثرپذیری و نشان دهنده اثرگذاری می‌باشد. ماتریس اثرات متقابل در ذیل آمده است.

عوامل موثر	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	جمع سطرها
عامل اول		میزان اثرگذاری عامل اول بر دوم			میزان اثرگذاری هر عامل
عامل دوم	میزان اثرگذاری عامل دوم بر اول				
عامل سوم					
عامل چهارم					
جمع ستون‌ها	میزان اثرپذیری هر عامل				

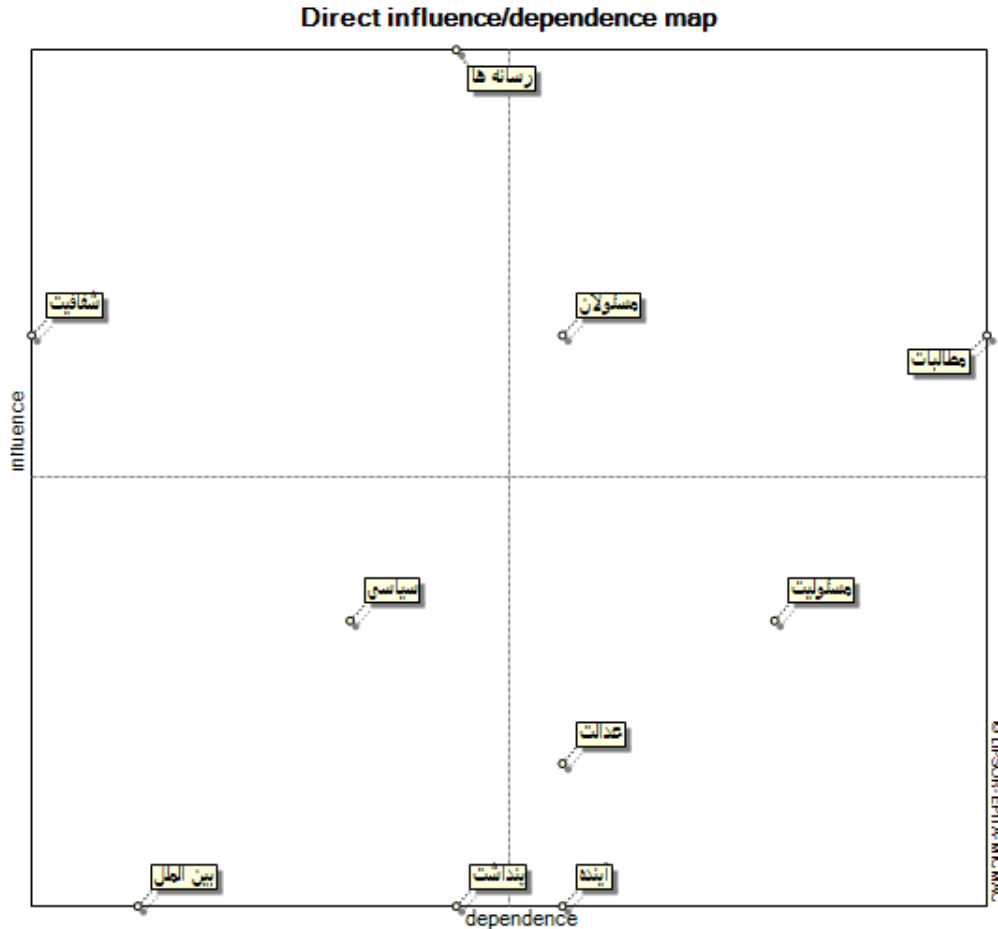
جدول ۴ (ماتریس اثرات متقابل)

پس از تعیین میزان اثرگذاری و اثرپذیری، مختصات هر یک از عوامل در نموداری ترسیم می‌گردد و چهار بخش به شرح شکل ذیل پدید می‌آید.



شکل ۲ (نمودار میزان اثرگذاری و اثرپذیری)

در این مرحله نظرات هریک از خبرگان در ماتریس تاثیرگذاری/تاثیرپذیری وارد شد و با استفاده از مد داده‌ها (داده‌های با بیشترین تکرار در هر سلول)، ماتریسی تهیه شد که برآیند نظرات خبرگان پاسخ دهنده به پرسشنامه را نشان می‌دهد. این برآیند به صورت ماتریسی 10×10 است که به عنوان ورودی نرم افزار میک مک استفاده شده است. برای نمره گذاری اعداد ۰-۳ در نظر گرفته شد (عدد ۳ با بیشترین تاثیر و عدد ۰ با کمترین تاثیر شناخته شده است).

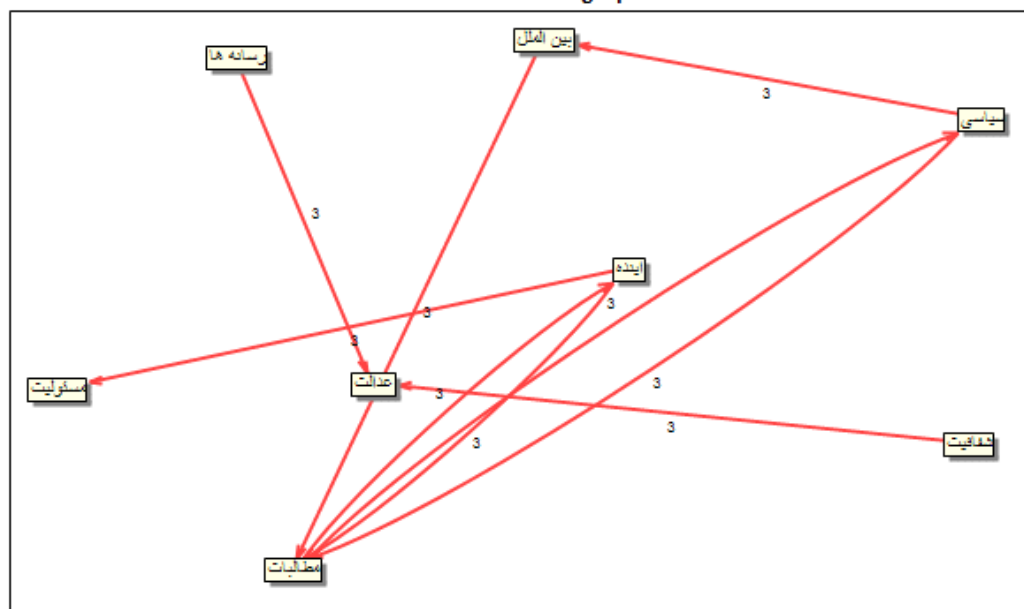


شکل ۳ (تحلیل اثرات متقابل)

بعد از وارد کردن نمرات در نرم افزار میک مک، نمودار ذیل به دست آمد (شکل سه) که موقعیت هر کدام از عوامل را در آن نشان می‌دهد.

همانطور که در نمودار بالا مشخص شده است؛ «رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی» و «شفافیت ساختاری و اداری» عوامل پیشران، «سطح مطالبات و انتظارات شهروندان» و «کنش مسئولان و چهره‌های شاخص» عوامل سیاسی و «تعهد گرایبی و مسئولیت اجتماعی»، «ادراک عدالت اجتماعی» و «سطح امید به زندگی» عوامل شاخص و بقیه جزو عوامل خنثی هستند.

Direct influence graph



- Weakest influences
- Weak influences
- Moderate influences
- Relatively strong influences

شکل ۴ (روابط بین متغیرها)

یکی دیگر از خروجی‌های نرم افزار ارتباط هر یک از عوامل نسبت به یکدیگر را نشان می‌دهد.

فضای سناریونویسی

نخستین گام در مرحله سناریونویسی؛ تشکیل چارچوب سناریوها توسط دو عدم قطعیت شناخته شده و نهایتاً ارائه پیش‌نویس از سناریوهای استقرایی است.

به طور کلی برای طراحی یک برنامه مدیریتی، باید عدم قطعیت‌ها را شناسایی و مدیریت کرد، زیرا همه عدم قطعیت‌ها را نمی‌توان از آینده حذف نمود. نادیده گرفتن عدم قطعیت‌ها موجب کاهش توانایی مسئولان برای اقدامات اصلاحی و رسیدن به یک موقعیت مطلوب می‌شود؛ همچنین نادیده گرفتن عدم قطعیت‌ها می‌تواند موجب از دست دادن شانس‌ها و فرصت‌های آینده و نهایتاً منجر به ایجاد یک مدیریت ناکارآمد شود. پس همانطور که در ابتدای این قسمت نیز اشاره شد، عدم قطعیت‌ها یا پیشران‌ها، میدان مانوری برای مدیریت آینده است. عواملی تاثیرگذار که از رهگذر آن‌ها می‌توان آینده‌ای را به صورتی مطلوب یا نامطلوب رقم زد.

بعد از بررسی این عوامل و گزینه‌های طرح شده در پرسشنامه، جمع‌بندی نشست نخبگانی عدم قطعیت بحرانی تشخیص داده شد؛ رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و شفافیت ساختاری و اداری که هر کدام در دو حالت مطلوب و نامطلوب می‌توانند قرار بگیرند که چهار حالت را می‌توان برای آن متصور شد:

۱. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند محتوای صحیحی ارائه بدهند و در زمان مناسب نیز واکنش نشان دهند، همچنین مردم احساس کنند که ساختار شفاف است و به آن اطمینان داشته باشند.

۲. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به شیوه مطلوب عمل کرده باشند، اما ساختار شفاف نباشد و

مردم احساس تبعیض و رابطه گرایی در جریان حاکمیت داشته باشند.

۳. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی محتوای ناصحیح یا نادرستی را در زمان نامناسبی ارائه کند، اما ساختار اداری شفاف باشد.

۴. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی محتوای ناصحیحی را ارائه کنند و ساختار اداری نیز شفاف نباشد.

منطق سناریوها

سناریوی اول: حرکت در مسیر سبز

برای توضیح این شرایط در جریان وقوع بحران‌های اقتصادی، مدیریت و حفظ سرمایه اجتماعی اهمیت دوچندانی می‌یابد، چرا که بحران اقتصادی تاحدی کاهنده سرمایه اجتماعی در جامعه است. در اینجا عوامل کلیدی و موثر محیطی که در وضعیت شناختی سرمایه اجتماعی تاثیرگذار هستند، اگر بتوانند به درستی به ایفای نقش خود پردازند، می‌توانیم از شرایط مطلوب صحبت کنیم.

فضای ذهنی مردم براساس سلطه رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته است و اخبار و اطلاعات پیرامون بحران و چالش‌های اقتصادی از درگاه رسانه‌ها به مردم می‌رسد. رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی همراستا با یکدیگر محتوای درست و صحیحی را به مردم منتقل می‌کنند و در زمان مناسب هم نسبت به جریان‌ها و اتفاقات اقتصادی واکنش نشان می‌دهند. در چنین شرایطی رسانه‌ها مرجعیت اخبار و اطلاعات را به عهده دارند و به دلیل آنکه کار خود را به درستی انجام می‌دهند، موجب احساس اعتماد در بین مردم می‌شوند.

در بستر اطلاعاتی مدیریت شده، مسئولان و چهره‌های شاخص نیز اخبار و اطلاعات درست را به مردم منتقل می‌کنند و سعی می‌کنند در جریان رسانه‌ها حرکت کنند.

از طرف دیگر، باوجود پدید آمدن بحران اقتصادی که ناشی از چالش‌های مدیریتی و ناکارآمدی در بخش‌هایی از جامعه است، اما پنداشت مردم در رویارویی با سازمان‌ها و ساختارهای اداری اطمینان بخش است، چرا که شفافیت در ساختار اداری باعث می‌شود که مردم احساس اعتماد حتی در حین بحران اقتصادی نسبت به حاکمیت داشته باشند.

براساس فضای سناریوی مطروحه پیشنهادهایی برای تحقق آن مطرح می‌شود:

اقدامات کنترلی	اقدامات شکل‌دهنده
گذر از عدالت خواهی مصداقی به عدالت خواهی سیستمی	ایجاد کمیته مدیریت جریان‌های رسانه‌ای و هدایت افکار عمومی به نفع اعتماد اجتماعی و کاهش سخن‌پراکنی‌های بی پایه و اساس و بعضاً مخرب
برخورد قاطع قضایی با بسترهای رسانه‌ای شبهه آفرین	گفتمان شفافیت باید در دست نیروهای انقلاب باقی بماند برای این امر، محل‌های شبهه آفرینی مانند معافیت‌های مالی برخی اجزای حامیتی تبیین شود یا بصورت گسترده گردش‌های مالی دستگاه‌ها مشخص شود.

سناریوی دوم: پارکی شبیه ژوراسیک

در فضای سناریو دوم، بحران اقتصادی به وجود آمده است، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی کار خود را به درستی انجام داده باشند اما ساختار اداری از شفافیت برخوردار نیست و فساد، اختلاس و رابطه‌گرایی در بین مسئولان وجود دارد.

این یک شرایطی است که احتمال وقوع آن کم است. چون زمانی که فساد اداری در یک جامعه ریشه دوانده باشد و مسئولان به خود اجازه استفاده از رانت و رابطه‌گرایی را داده باشند، که نظارت و کنترل را چه از جانب مردم و از چه جانب حاکمان نداشته باشند. یکی از وظایفی که رسانه‌ها در جامعه دارند، نقد و نظارت وضعیت موجود است، پس رسانه‌ها بخش عمده‌ای از وظایف اصلی خود را در جامعه نتوانسته‌اند به درستی ایفا کنند.

سناریوی سوم: رهایی از شائوشنگ

در شرایط وقوع بحران اقتصادی، رسانه‌ها نتوانسته‌اند مدیریت اخبار و اطلاعات را در دست بگیرند و همچنین کنش‌های نامطلوبی را از خود نشان داده‌اند، اما ساختار اداری از شفافیت برخوردار است و توانسته در یک فضایی که مبتنی بر ضابطه‌گرایی است، اعتماد و اطمینان مردم را جلب کند.

در این وضعیت رسانه‌ها شایعه و اخبار نادرست را تولید و اشاعه کرده‌اند و فضای ذهنی مردم را به شدت تحت تاثیر قرار داده‌اند و مردم نسبت به برخی از اقدامات و عملکردها بدبین و بی‌اعتماد شده‌اند و به دنبال سنجش اخبار و اطلاعات از افرادی هستند که بنظر خودشان مطمئن و قابل اعتماد است، هستند.

مسئولان و چهره‌های شاخص برحسب فضای رسانه‌ای و اطلاعاتی که به وجود آمده است، حتی اگر بخواهند بسیار بعید به نظر می‌رسد که بتوانند موضع‌ها و واکنش‌ها خود را به درستی از طریق رسانه‌ها به مردم منتقل کنند. وقتی که فضای رسانه‌ای و فضای ذهنی مردم مخدوش می‌شود، حتی اگر ساختار اداری شفاف باشد و مدیران و مسئولان براساس قانون عمل کرده باشند، سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم تضعیف می‌شود و این بخاطر نقش برجسته رسانه‌ها در ایجاد و شکل‌دهی به فضای ذهنی و شناختی مردم است.

براساس فضای سناریوی مطروحه پیشنهادهایی برای تحقق آن مطرح می‌شود:

اقدامات کنترلی	اقدامات شکل‌دهنده
<p>نظارت بر محتوای پیام‌های رسانه‌ای و در صورت لزوم اقدامات سریع و فوری در جهت حذف پیام‌های غلط و یا نادرست و بیجا صورت بگیرد</p>	<p>-ایجاد ظرفیت برای تمرین کنشگری متعهدانه و مطالبه‌گری مسئولانه از سنین کودکی در ساختارهای آموزش رسمی و آموزش مهارت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی در دوره‌های ابتدایی مدارس</p> <p>-در فضای تسلط نسبی رسانه‌های فضای مجازی از گفتگو و مساله «حضور» غفلت شده است حضور موجهین در بین مردم به ویژه در شهرستانها و روستاها به مدیریت بحران مد می‌رساند.</p>

سناریوی چهارم: مورد عجیب ولی الله سیف

در فضای سناریوی چهارم فاجعه در فاجعه به وجود می‌آید؛ بحران اقتصادی در جامعه ظهور کرده و رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی عملکرد بدی داشته‌اند و عدم شفافیت در سازه اجرایی کشور به وفور نمایان است. در چنین شرایطی کاهش و سقوط سرمایه اجتماعی امری حتمی است و امید برای بهبود اوضاع بسیار سخت و صعب است.

رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی که پیشران اصلی در مدیریت سرمایه اجتماعی در جامعه هستند، به ترویج شایعات و تهمت‌ها پرداخته‌اند و در زمانی که مردم منتظر شنیدن اخبار و اطلاعات

بوده‌اند، کاهلی کرده‌اند و به تعویق انداخته‌اند. در نتیجه مردم را نسبت به خود بی‌اعتماد کرده‌اند.

در موقعیت بحران‌های اقتصادی مردم نیاز دارند احساس کنند که همه در شرایط یکسانی هستند و تفاوتی بین وضعیت آن‌ها و وضعیت مسئولان و حاکمان نیست. اما اگر ساختار اداری شفاف نباشد و فساد گسترده‌ای در بخش‌های مختلف حاکمیت وجود داشته باشد، احساس تبعیض و فساد، منجر به بی‌اعتمادی فزاینده مردم به حاکمیت می‌شود.

مردم بصورت معمول یکسری مطالبات و انتظاراتی را از حاکمیت دارند، در شرایط ناامن اقتصادی که با بی‌اعتمادی مضاعف شده است، انتظارات مردم فزاینده و بعضا نامعقول می‌شود، چرا که آن‌ها به دنبال برطرف کردن نیازها و رفع مشکلات خود به هر طریق و راه حلی هستند.

براساس فضای سناریوی مطروحه پیشنهادهایی برای تحقق آن مطرح می‌شود:

اقدامات کنترلی	اقدامات شکل دهنده
<p>- پرهیز از تغییر میدان اقتصادی به میدان سیاسی یا روانی بوسیله رسانه ها</p> <p>- تخاطب بیشتر بزرگان نظام از جمله رهبر انقلاب و ... با اقشار مردم (البته باید از حیث افکار عمومی در نظر داشت که این تخاطب به صرف سخن گفتن تعبیر نشود) با هدف تقویت همدردی و همدلی</p> <p>- تشکیل اتاق عمیات روانی در صدا و سیما</p>	<p>- مطالبه متراکم و جدی رسانه های انقلاب برای محاکمه مقصران اقتصادی</p> <p>- تربیت خبرنگران/تولید کنندگان محتوای مسلط به تحلیل شرایط بحرانی اقتصاد در جبهه رسانه ای انقلاب</p> <p>ساماندهی هدفمند حضور روحانیت در میان مردم با هدف همدردی و همدلی</p> <p>- بهره گیری از تولید محتوا در ژانر طنز در رسانه های جمعی و اجتماعی با هدف تغییر ذائقه مردم</p> <p>- طراحی پویش های مجازی و واقعی از سوی جبهه انقلاب برای مدیریت تعاون محور همدردی عملی با محرومان</p> <p>-تشکیل اتاق های فکر اجتماعی برای ارائه راهکارهای ساده و عمومی به منظور دستگیری و حمایت از طبقه های آسیب دیده از بحران</p> <p>- شکل دهی «هسته های تعاون حزب الله» در فضای مجازی</p>

منابع

- اتو کلاین، برگ؛ (۱۳۶۸) روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، نشر اندیشه، چاپ هشتم، ج ۲، ص ۵۲۸.
- الوانی، سیدمهدی. سیدنقوی، میرعلی. (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها. مطالعات مدیریت بهبود و تحول. شماره ۳۳ و ۳۴. صص ۳-۲۶.
- برومند، احمد. داوری، حامد. اخوان، ناصر. (۱۳۹۵). آینده پژوهی خدمات فرهنگی معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی. فصلنامه آینده پژوهی مدیریت. سال بیست و هشتم. شماره ۱۱۰. صص ۱-۱۸.
- پاک سرشت، سلیمان. (۱۳۹۳). ملاحظات و راهبردهای ارتقای سرمایه اجتماعی. راهبرد فرهنگ. شماره ۲۵. صص ۷۲-۱۰۴.
- پورعزت، علی اصغر. فیروزپور، آرمن. سعدآبادی، علی اصغر. (۱۳۹۱). مطالعه و مقایسه رویکرد اجتماع محور مدیریت بحران در کشورهای منتخب. مدیریت سازمان‌های دولتی. شماره ۲. صص ۳۷-۵۲.
- پیربابایی، محمدتقی. فیروزآبادی، سید احمد. حجت، عیسی. سلطان‌زاده، محمد. (۱۳۹۵). دین و سرمایه اجتماعی «واکاوای ظرفیت‌های اجتماعی جامعه اسلامی ایران». فصلنامه علمی پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان. شماره یک. صص ۱۰۷-۱۲۸.
- جهانیان، رمضان. محمدی، دلیله. (۱۳۹۶). نقش آموزش عالی در توسعه سرمایه اجتماعی. پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری. شماره ۳۱. صص ۲۰۵-۲۱۱.
- دبانی، محمدحسین. پریخ، مهری. محمودی، حسن. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و میزان اجرای مدیریت دانش در کتابخانه‌های فردوسی و علوم پزشکی مشهد. کتابداری و اطلاع‌رسانی. شماره ۵۸. صص ۹۱-۱۱۸.
- رضائی، ملیحه. امام جمعه‌زاده، شهرام نیا، سیدجواد. مسعود، سیدامیر. عباسی، فرهاد. (۱۳۹۶). سناریوهای آینده جریان‌های سیاسی در ایران ۱۴۰۴. راهبرد. شماره ۸۳. صص ۱۳۱-۱۶۳.
- روشبلو، آن ماری و بورفیون، ادیل. (۱۳۷۱). روان‌شناسی اجتماعی، سیدمحمد دادگران، تهران، مروارید، ۱۳۷۱، چاپ دوم، ص ۱۳۴.
- زالی، نادر. عطریان، فروغ. (۱۳۹۵). تدوین سناریوهای توسعه گردشگری منطقه‌ای براساس اصول آینده پژوهی (مورد مطالعه: استان همدان). آمایش سرزمین. دوره هشتم. شماره اول. صص ۱۰۷-۱۳۱.
- سام آرام، عزت‌الله. خاکساری رفسنجانی، علی. علیزاده، غلامرضا. حسینی حاجی بکنده‌ای، سید احمد. (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر میزان سرمایه اجتماعی در دانشگاه علامه طباطبایی. فصلنامه علوم اجتماعی. شماره ۵۱. صص ۳۹-۸۰.
- قلی‌پور، آرین. روشن دل اربطانی، طاهر. پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۷). وضعیت‌شناسی بحران با رویکرد نظم و امنیت. پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی. شماره ۲. صص ۱۴۱-۱۶۴.
- قلیزاده زاوشتی، مهدی. قادری کوچکی، علی. (۱۳۹۴). کاربرد سناریو نویسی در بحران‌های سیاسی و امنیتی. مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری. شماره ۲۵. صص ۱۱۳-۱۴۰.

- مطهرنیا، مهدی. (۱۳۸۱). مفهوم شناسی بحران: درآمدی بر مدیریت بحران و نقش بسیج در آن. مطالعات راهبردی بسیج. شماره ۱۶. صص ۳۹-۴۱.
- ناطق پور، محمد جواد. فیروز آبادی، سید احمد. (۱۳۸۵). شکل گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل موثر بر آن. نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۸. صص ۱۶۱-۱۹۰.
- نوروزی، حسین. موحدی فر، عرفان. احمدیه چلانسفلی، ابراهیم. (۱۳۹۵). تاثیر سرمایه اجتماعی بر مرحله آگاهی از نیاز برای تغییر: مطالعه نقش میانجی تسهیم دانش. مدیریت سرمایه اجتماعی. دوره سوم. شماره ۳. صص ۴۱۵-۴۳۴.
- نیوتن، ک. (۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی و دموکراسی. ترجمه: محمدزاده. ش ۵ و ۶۶.

-Ksenija Vukovic & others. (2017). "THE ROLE OF BONDING AND BRIDGING COGNITIVE SOCIAL CAPITAL IN SHAPING ENTREPRENEURIAL INTENTION IN TRANSITION ECONOMIES". *Management*, Vol. 22, 2017, 1, pp. 1-33

-Kleio Koutra and others. (2018). "The effect of social capital on non-suicidal self-injury and suicidal behaviors among college students in Greece during the current economic crisis". *International Social Work* sagepub.co.uk/journalsPermissions.nav.

- Bolance C. Calse J & Torrente. (2018). "Trust in times of economic crisis in Spain: Paradoxes for social capital theory". www.ebu/irea.

-Karl V.lins. Henri servaes. Ane Tamayo. (2015).

Social Capital, Trust, and Firm Performance during the Financial Crisis. <https://journals.sagepub.com/>

Marco Carradore. (2018).

- A Synthetic Indicator to Measure Social Capital in the Different Italian Regions: A Before and After Comparison of the Economic Crisis. <https://journals.sagepub.com/>

Abstract

The present study looks at the management of social capital in economic events and relying on the concepts of futures studies and proposes the design of future scenarios as one of the most widely used methods for preparing and helping to plan.

For this purpose, following the review of theoretical foundations, deep elite interviews were conducted, and key factors influencing social capital management in economic crises were found in the STEEP table, and then ten key factors for the interaction table were counted and the forces, proponents, forces Policy, observation forces were obtained using MICMAC software, and finally, four scenarios were planned for future prediction.

Keywords: Social Capital, Economic Crisis, Future Studies, Scenarios.

Personal Report

Project Title: "Scenarios for managing social capital in economic crises"

contract number:97/002

the unit: AFRA

administrative: Mahboobeh davoodi

operation place: AFRA

start date:5/1/2019

End date:6/3/2019

Execution time: 3 months

Report type: Final

This report has been prepared and implemented by the Center for the implementation of the research contract No.97/002 dated 6/3/2019

"Scenarios for managing social capital in economic crises"

Mahboobeh davoodi

AFRA Institute

Final report